

گروه های تکفیری و اقدامات خشونت آمیز

ریشه ها، ساختارها و عوامل اثر گذار

اجلاس بررسی پدیده ی تکفیر

۱۰ و ۹ سپتامبر ۲۰۱۵

بیروت

گروه های تکفیری و اقدامات خشونت آمیز

ریشه ها، ساختارها و عوامل اثر گذار

مرکز مطالعات مستند بیروت در همکاری با مرکز تمدنی توسعه اندیشه اسلامی و مرکز مطالعات و تحقیقات اردن، اقدام به برگزاری کنفرانسی تحت عنوان " گروه های تکفیری و اقدامات خشونت آمیز- ریشه ها، ساختارها و عوامل اثر گذار" در تاریخ ۹ و ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۸ و ۱۹ شهریورماه ۱۳۹۴) در هتل رامادا (سفیر سابق) در بیروت نمود.

اجلاس در جلسه افتتاحیه شاهد ایراد سخنرانی های دکتر عبدالحلیم فضل الله ریاست مرکز برگزار کننده و دکتر محمد تقی سبحانی ریاست مرکز تمدنی توسعه اندیشه اسلامی بود و طی دو روز با عنایت به محورهای تعیین شده شاهد شکل گیری پنج کارگروه گردید.

نخستین محور با عنوان "پدیده خشونت های تکفیری: ریشه ها و گفتار" به ریاست استاد معن بشور رئیس مرکز همکاری های عربی و بین المللی و سخنرانی دکتر عبدالامیر زاهد مدیر مرکز مطالعات دانشگاه کوفه و دکتر عبد الغنی عماد رئیس سابق مرکز مطالعات علوم اجتماعی دانشگاه لبنان و دکتر بدر ابراهیم از کشور عربستان برگزار گردید. این محور به بررسی ریشه ها و عوامل سیاسی اجتماعی شکل دهنده ی تندروی های مذهبی و پس زمینه های فکری و دینی و تاریخی شکل دهنده ی آن در سده های بیستم و بیست و یکم پرداخت رابطه ی این پدیده را با نگرش ابن تیمیه و وهابیت و محوریت چنین اندیشه ای را لحاظ نموده به ظهور اندیشه ای عنایت نمود که دستمایه ی جریان های سلفی و جهادی سر برآورده در دهه های هفتم و هشتم سده بیستم گردید.

دومین محور با عنوان "تحولات منطقه ای و بین المللی و ارتباط آن با پدیده ی تندروی" به ریاست استاد بلال التل رئیس مرکز مطالعات اردن و سخنرانی دکتر محمد مرندي از ایران و دکتر جورج قرم از لبنان و دکتر حازم العتلم از مصر به بررسی جنبش های سلفی و جهادی القاعده و طالبان و داعش و بوکو حرام و جنبش جوانان سومالی با عنایت به تحولات و رویدادهای شکل گرفته در افغانستان و انقلاب های مردمی روی داده در جهان عرب و اشغال عراق توسط آمریکا با لحاظ نمودن روابط گروه های تندرو با کشورهای بیگانه و سازمان های مخفی و احزاب آن ها، پرداخت.

سومین محور با عنوان "ساختارهای سازمانی، مالی و بنیادی گروه های تندرو و نحوه یارگیری، اقدامات میدانی و اجتماعی و نظامی آن ها" به ریاست دکتر علی فیاض قائم مقام ریاست مرکز برگزار کننده و سخنرانی کارشناس عالی جنبش های اسلامی استاد مصطفی زهران از کشور مصر و نویسنده لبنانی آقای سمیر الحسن و اندیشه پرداز تونسسی دکتر أمیه صدیق و کارشناس سوری استاد عبدالله سلیمان علی که در جلسه ی

پایانی روز نخست برگزار گردید؛ به بررسی اقدامات نظامی و راهبردی گروه های تندرو و منابع مالی شکل دهنده ی آن ها در مقایسه با دیگر جنبش های مشابه شکل گرفته در منطقه و ژرف اندیشی در اقدامات معمول داشته شده توسط گروه های تندرو در کشورهای عربی و اسلامی عنایت نمود.

اجلاس طی دومین روز شاهد برگزاری دو کار گروه دیگر بود:

محور چهارم با عنوان "رسانه و گروه های اقدامات خشونت آمیز تکفیری" به ریاست دکتر عبد الله بوحیب رئیس مرکز عصام فارس، برگزار گردید و طی آن شاهد سخنرانی دکتر محمد محسن و خاتم دکتر دینا ملاعب و دکتر محمد علوش گشت؛ بررسی نقش رسانه در شکل گیری اقدامات خشونت آمیز بدنه های تندرو و روابط آن با رسانه های عربی و غربی را با عنایت به رسانه های پیرو حرکت های تندرو در دستور کار قرار داد.

محور پنجم با عنوان میزگرد "آینده جنبش های تندرو و نگاهی به نگرش حرکت های افراطی و مواجهه با آن" به ریاست شیخ ماهر حمود دبیرکل اتحادیه علمای مقاومت برگزار گردید طی آن مقالات الیاس فرحات سرگرد بازنشسته و دکتر اکرم برکات و دکتر احمد موصلی و استاد محمد خواجه وکیل دادگستری و آقای عمر الزین و شیخ حسین شحاده مطرح شد. آینده این حرکت ها و توانمندیهای آن در محقق ساختن اهداف ترسیم شده ی آن ها و اثرگذاری آن ها بر روابط اسلامی- اسلامی و اسلامی- مسیحی و نحوه تعامل با دروسرهای به وجود آمده توسط این گروه ها و بازگرداندن امور به مجاری پیشین خود و نحوه ی مقابله با تندروی های دینی و نقش سازمان ها و ساختارهای دینی و نحله های سیاسی و جایگزین نمودن آن با نگرش های برخاسته از طرح های برآمده از (نقش آفرینی های: الأزهر، مرجعیت های دینی و موسسات مطالعاتی) بر اساس بهره گیری از گفتگوی آزاد؛ در دستور کار قرار گرفت.

*

نگاهی به مسائل و موضوع های مطرح شده در اجلاس

اجلاس که با حضور گروهی از نخبگان جهان عرب از جمله شیخ ماهر حمود دبیرکل اتحادیه علمای مقاومت و شیخ محی الدین قبرصلی نماینده مفتی صیدا و جنوب لبنان و شیخ علی بحسون که در راس هیأتی از مجلس اعلای شیعیان لبنان قرار داشت و همچنین شیخ صفوان زعبی رئیس سلفیان این کشور و رایزنان و نمایندگان سفارتخانه های مصر و سودان و آلمان و نماینده اتحادیه اروپا و رؤسای مراکز مطالعاتی جنبش أمل و حزب الله و جماعت اسلامی و حماس و وزرای سابق و علمای دین و نخبگان فرهیخته برگزار گشته بود طی جلسه افتتاحیه و جلسات گروه های کاری یاد شده مسائلی را در دستور کار قرار داد که به گونه ای کوتاه و گذرا به آن در این گزارش اشاره رفته است.

دکتر عبدالحلیم فضل الله در سخنرانی افتتاحیه ضمن برشمردن طبیعت برگزاری اجلاس که عنایت به مؤلفه ی جماعت ها و گروه های تکفیری و علل بروز آن ها و عوامل توسعه و گسترش چنین جنبش هایی دارد این پرسش را مطرح می کند که: آیا این گروه ها که با اقدامات اخیر خود پرده از چهره برداشته خواسته های خود را آشکار نموده اند و بسیاری از نخبگان به زبان های گوناگون درباره آنان قلمفرسایی کرده اند، نیاز به روشننگری بیشتری دارند؟ پاسخ بی شک مثبت است زیرا ما نیازمند انباشت آگاهی خود

به منظور پاسخ دادن به بسیاری از پرسش‌هایی درباره آنان هستیم که همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند؛ این پرسش‌ها تا کنون نتوانسته است طبیعت شکل‌دهنده‌ی گروه‌های یاد شده را شناسایی نماید و دریابد که فرقه‌های مزبور با کدامین معیار در گستره عقیده و سیاست حضور یافته‌اند؟ گروه‌های مزبور شیوه‌های نوینی از خشونت را اعمال می‌نمایند که بی‌سابقه است و در این گستره خود را نه تنها نیازمند دستاویز قرار دادن مشروعیت اقدامات خویش نمی‌بیند که به کار گرفتن این شیوه‌های خشونت بار را گونه‌ای سحرآفرینی می‌شمارند؛ آنچه گروه‌های یادشده معمول می‌دارند درحقیقت خیزشی علیه سه رویکرد شناخته شده به شمار می‌آید: ارزش‌های اخلاقی معمول داشته شده توسط اسلام که رویکردی محبت‌آمیز و دادوش را در افکنده است؛ ارزش‌های معرفتی برخاسته از دستاوردهای خردگرایانه مردمی و ارزش‌های حقوقی قانونمداری که به دنبال سالها رواج بیدادگری برآمده از باخت‌جهان حاصل گردیده است.

جنبش‌های تکفیری سمت و سویی خلاف روند معهود را در پیش گرفته‌اند منطق آنان مبتنی بر داده‌هایی است که متناقض با منطق اخلاق دینی بوده در پی صدپاره نمودن تمامی داده‌های انسانی به بهانه دینگرایی مخالف با نمادهای فرهنگ و تمدن می‌باشد و خود را سترون از گرایش‌های معنوی نموده است؛ چنین برآمدنی جدا از گرایش‌های دینی شکل گرفته در شرق جهان که مبتنی بر نادیده انگاشتن دیگری و کنار نهادن اصل اجتهاد و نفی خردگرایی بوده آن را طی سالیان بی‌شماری در دستور کار خویش قرار داده بود. اجلاس بر آن نیست که خیزشی را به منظور مقابله با گروه‌های مبتنی بر خشونت در افکند بلکه در پی آن است که ژرف‌اندیشی را برای شناخت این حرکت‌ها معمول دارد به مواجهه‌ی چالش‌های برآمده از آن مبادرت کند تا بتوان میان رویکردهای دانش‌محور و حرکت‌های سیاسی تمایزی را در افکند و اندیشه‌ای را پیش روی گذارد که رویکردی به بسیج نیروها نداشته بلکه با نحوه‌ی تعامل این گروه‌ها با داده‌های اجتماعی در مناطق زیر نفوذ آن‌ها آشنا گردد.

دکتر شیخ محمد تقی سبحانی رئیس مرکز تمدنی گسترش اندیشه اسلامی در سخنان خود به این نکات اشاره نمود که: طی سال‌های اخیر شاهد برگزاری اجلاس‌های متعددی به منظور شناخت این پدیده بوده امید داریم این کنفرانس ادامه تلاش‌های یادشده باشد تا به ابزارهایی دانش‌مدار برای غلبه بر چنین نگرشی دست دهد.

به منظور ایجاد تفاهم در این گفت‌وگو، برآنیم تا مفاهیم اصطلاحات به کار گرفته شده را مشخص نماییم زیرا واژه‌هایی همانند ترور و نظایر آن همه به گونه‌ای یکسان تفسیر نکرده به کار نمی‌گیرند؛ ما در اینجا بدین منظور گرد هم آمده‌ایم که تلاش مضاعفی را برای کشف زوایای پنهان چنین رویکردهایی به دور از آشوب‌های سیاسی معمول داریم. چنین باور دارم که این گستره را از زاویه دید دو رویکرد پیش روی نهم که عبارتند از:

بی‌شک تندروی و خشونت‌گرایی ریشه در سیاست داشته‌دین را در طول تاریخ دستاویز قرار داده است. هیچ جامعه‌ای از این پلشتی فکری و اجتماعی مصون نبوده و نیست؛ اما نسخه‌ی معاصر رویکردهای تکفیری متمایز از نظایر کهن خود می‌باشد که برجسته‌ترین داده‌هایش عبارتند از اینکه: ما، در حال حاضر شاهد گونه‌ای از همانندگرایی هستیم که نباید از آن غافل بمانیم. باید تروریسم را از چنین زاویه‌ی دیدی بازشناسیم تا بتوان داده‌های فکری و نظری شکل‌دهنده‌ی آن را دریافت؛ دودیکر اینکه باید دریافت که کدامین داده‌ها دستمایه‌ی برخورداری این حرکت‌ها از جایگاهی بین‌المللی و جهانی گشته است؟ تا

بدانیم که این پدیده محدود به یک جامعه یا دینی نمی‌گردد زیرا همه جریان‌های اسلامی، مسیحی و بودایی از آن مصونیت نیافته‌اند و حتی تروریسمی که به گروه‌ها و نحل‌های لائیک منسوب می‌گردد، جایگاه خود را دارد و مگر نه اینکه گروه‌های مسلمان لائیک بدان متهم گشته‌اند در عرصه‌ی رقابت‌های سیاسی به پیروی از گونه‌ای از تروریسم دینی متهم شده‌اند؟

چنین از ما می‌خواهند که در میراث فکری خود تجدیدنظر نماییم تا بتوان از رویکردهای خشونت‌آمیز و تروریسم نامشروع برکنار و مصون بمانیم. هر سخنوری از خاستگاه فرهنگی و تمدنی خویش، وظیفه دارد فریاد خود را به گوش جهانیان برساند تا بتواند رویکردهای تکفیری را محکوم نماید.

*

محور نخست: پدیده‌ی خشونت‌های تکفیری - ریشه‌ها و گفتمان

نخستین کارگروه اجلاس با عنوان فوق‌الذکر به ریاست استاد معن بشور برگزار گردید. نامبرده ضمن خوشامدگویی به حضار اعلام داشت آیا پافشاری ما برای توصیف گروه‌های یادشده به توحش و افراط‌گری رویکرد صحیحی است؟ آیا چنین رویکردی می‌تواند زمینه را برای بسیج نیروهای مقابل‌کننده با تکفیری‌ها فراهم سازد و رنگ و بوی ستیز دینی را از آن باز ستاند؟ من براین باورم که اقدامات معمول داشته‌شده را بر اساس نمای ظاهری آن‌ها و نه افکار شکل‌دهنده‌اش باید توصیف نمود به ویژه که حرکت‌های تکفیری محدود به گروه‌های دینی نمی‌گردد بلکه فرهنگی است که تمام احزاب ما را به کام خود فرو کشیده است.

دکتر بدر ابراهیم (عضو مجمع قومیت‌گرای عرب) از عربستان نخستین سخنران این کارگروه بود که مبحثی را با عنوان "گفتمان گروه‌های تکفیری و نگرش متفاوت آنان به دیگری" ارائه نمود. مبحث تقدیمی با عنایت به ریشه‌های شکل‌دهنده‌ی گروه‌های تکفیری و گفتمان و اصول مورد عنایت این مجموعه‌ها و ترسیم تصویری از آنان و تصویر آنان از دیگری و تأثیر شرایط جاری سیاسی بر شکل‌گیری این نگرش به موضوع عنایت نموده بود.

وی اظهار داشت: من گمان دارم علت به وجود آمدن فضای مناسبی برای شکل‌گیری گروه‌های تکفیری برخاسته از داده‌های سیاسی است زیرا این گروه‌ها با اعمال اقدامات سیاسی به دنبال تحقق اهداف و خواست‌های معینی بوده‌اند که براساس شرایط سیاسی فضایی را برای پذیرش میراث به جای مانده از گذشته و بازسازی تفسیری نوین از آن به منظور تأمین خواست گروه‌های یادشده حتی اگر مخالف با گفتمان معمول دینی می‌بود پوششی شرع‌مدار را در اختیار آنان گذاشت تا بتوانند از آن بهره‌برداری خود را بنمایند. چنین روندی به چرایی شکل‌گیری گروه‌های مزبور پاسخ داده هم‌زمانی آن را با شرایط بروز و ظهور تشکیلات القاعده پس از اشغال عراق توسط عوامل بیگانه پیش روی می‌گذارد بدین جهت نباید نقش بیگانگان را در ظهور چنین گروه‌هایی از نظر دور داشت همان‌گونه که شکل‌گیری بدنه‌ی مزبور توسط باختر نشینان جهان آن سان که در افغانستان شاهد گشتیم در این زمینه نقش آفرین بود.

در اینجا ناگزیر باید به این نکته اشاره نمود که نمی‌توان بدون درک طبیعت ساختارهای فکری گروه‌های مزبور و دیدگاه‌های آنان درباره خود و دیگری؛ دریافت درستی از اهداف رقم‌خورده آنان داشت. بی‌شک برخی از اقدامات گروه‌های تکفیری بر مبنای تفسیر آنان از ایدئولوژی مورد استناد آنان شکل می‌پذیرد. در اینجا ما با همگرایی تفکر جهانی اخوانی و تفسیر سلفی از جهاد مواجهیم که چنین رویکردی از لحظه آغاز حرکت جهادی در افغانستان شروع گردید زیرا جنبش بین‌المللی اخوانی جهاد را باور دارد که حسن

البنای بنیانگذار اخوان آن را پایه گذاری نمود درحالی که جنبش سلفی وهابی چنین رویکردی را باور نداشته اعتقاد به تغییر عقیده دارد نه تغییر سرزمین والته به همین دلیل این دو نگرش نه تنها به موازات یکدیگر در جهان عرب قرار نداشته اند که در بسیاری از موارد دستمایه برخورد هواداران نشان گردیده است. این نگرش به دنبال شکل گیری شرایط سیاسی مشخصی بروز نمود زیرا گروه های جهادی پس از آن که ابومصعب زرقاوی در عراق به مصاف دشمن روی آورد اقدام وی دستمایه ی شکل گیری گفتمان رایج گروه های تکفیری گردید که بیشتر تاکید بر بیان تناقض های مذهبی و داده های اجتماعی عرب داشته و دارد و چنین شد که گفتمان دینی با عنایت به شرایط سیاسی به گونه ای از ادبیات بدل گردید که رویکردی ستیزی با دیگری را لحاظ نمود و این دیگری که با جهان غرب تضاد داشت آن را دستمایه ی داده های اجتماعی جهان عرب نمود؛ چنین برداشتی را می توان با عنایت به دیدگاه های زرقاوی که مشروعیت خود را مدیون اقدامات بن لادن و در مرحله بعد ابوعمر بغدادی بود و ارتش های جهان عرب را هدف قرار داده خود را بی نیاز از مواجهه با سپاه صلیبیان می دید؛ دریافت.

بی شک این گفتمان جهادی از شرایط سیاسی جهان عرب تاثیر پذیرفته هدفگذاری خود را در ستیز با دیگری نزدیک به خویش ونادیده انگاشتن دیگری که از وی فاصله داشت تعریف نموده بود بخشی از تضادهای داخلی به شمار آمد که تمامی منازعات داخلی را در بر گرفت که مثال ونمونه اش را می توان در مصر ولیبی مشاهده نمود؛ در حقیقت داعش زمانی می تواند برپای بماند که منازعات محلی و شرایط برآمده از منازعات مردمی رواج یابد.

ما در برابر گروه هایی هستیم که گفتمان دینی را دستاویز شکل گیری سپهری سیاسی ساخته خواستار دیمومیت چنین گفتمانی در شرایط کنونی می باشند. چنین باور دارم که تاکید بر تغییر شرایط سیاسی وخشکاندن آبشخورهای موجود سیاسی که چنین گروه هایی را تغذیه می نمایند باید در اولویت کار ما قرار گیرد؛ مسأله این نیست که ما به میراث خویش عنایت نداشته نوگرایی را در گفتمان دینی بر نمی تابیم بل به این پدیده ایمان دارم که باید به اقدامات سیاسی اقتصادی موجود که دستمایه شکل گیری گروه های یادشده می باشند توجه و عنایت داشته باشیم.

سخنران در پاسخ به برخی از اظهارات ایراد شده در مورد سخنانش اظهار نمود ما می دانیم ساختارها وسازمان های دینی وجود دارند که تفسیر دین را تنها در اختیار خویش می دانند درحالی که اسلام عنایت به تفاسیر گوناگون دارد؛ گمان دارم قدم نهادن در راه نوگرایی دینی که در جهان عرب به در بسته برخورده است؛ بهترین راه مبارزه با اصول گرایی دینی شمرده می شود. برای نکته تاکید دارم که داده های جغرافیایی نظیر صحرانشینی وتعلق به نظام قبیله ای وعشایری ارتباطی به شکل گیری گروه های تکفیری ندارد.

سخنران دوم محور نخست دکتر عبدالامیر زاهد (دکترای حقوق بین الملل وتطبیق ادیان) بود که مقاله خویش را با عنوان "ریشه های فکری وعقائدی خشونت تکفیری" ارائه نمود. مقاله وی عنایت به دو ساختار شناخت گرایی وبرنامه ریزی گروه های تکفیری داشت. وی اظهار نمود که چنین خاستگاهی مرا بر آن می دارد که به نمونه های تاریخی این گفتمان تکفیری واندیشه ای که آن را پردازش نموده است عنایت کنم واین پرسش را پیش روی گذارم که چرا چنین پدیده ای در جهان اسلام رواج یافته است درحالی که جهان خود را از قید اصولگرایی رها نموده است؟

در این عرصه پاسخ های وجود دارد که هم برآمده از متن و میراث دینی می باشد و هم برخاسته از واپس گرایی تمدنی شمرده می شود. چنین باور دارم که بحران برخاسته از طبیعت میراث مذهبی و تفسیر انباشت شده در آن، زمینه را برای شکل گیری نگرش تکفیری فراهم نموده است. میراث ما دو نگرش را پیش روی می گذارد که یکی را در میراث سلطه مدار و دیگری را در میراث فراسلطه باز می جوید.

این میراث اسلامی که نزد بیشتر مسلمانان رواج دارد آن را این گونه باز می شناسند که میراثی اسلامی شمرده نمی شود بل این گونه باور دارند که این بازمان، گونه ای تمرد از حق شمرده شده برآمده از باوری است که اعتقاد به خلق قرآن و فراگیر شدن باورداشت های حنبلیان و رواج بدعت گذاری در دین بوده بدان پایه و مایه رسید که توبه کافر را قابل پذیرش و توبه مرتد را مردود می شمارد.

جریان فکری حنبلی امت را برخوردار از نظریه پردازی نمود که این تیمیه نام داشت البته پیش از وی اشاعره و معتزله مشروعیت منطق گرایی دینی را زوده بودند میراث فقهی را محدود به اجتهاد در یک مذهب نموده بودند؛ خطر تفکر تکفیری در این نکته نهفته است که از منطق ویژه ای پیروی می نماید که برگرفته شده از سه دگرگونی و تحول است:

۱ - تکفیر از زمان خوارج و ظهور آنان تا کنون بر یک منطق استوار شده است؛

۲ - این حرکت تکفیری گفتمان دینی را در خدمت سیاست قرار می دهد؛

۳ - در صورت نیاز به میراث گذشته، آن را بر مبنای نگرش نوینی ارایه می کند و یا زیرساختارهای شناختی رقم خورده در چنین میراثی را دگرگون می سازد.

سخنران سپس چنین افزود: وهابیت اقدام به تاسیس دولتی بر مدار مذهب نمود بنابراین مشکلات فراروی آن گسترده تر از مشکلات قرار گرفته بر سر راه یک دولت دینمدار می باشد. تفکر سلفی بر مبنای چنین رویکردی از ستمدیده به سلطه گرا تبدیل گشت و چنین شد که پناهگاه کسانی گشت که از جمال عبدالناصر گریخته مصر را به قصد عربستان ترک نمودند و از اسلام گرایی به سلفی گری روی نهادند. این اندیشه جهان را به دار الاسلام و دار الفکر تقسیم می کند که چنین تفکری برخاسته از قرآن و سنت نبوی نبوده اصطلاحی شمرده می شود که یکی از شاگردان ابن تیمیه بر مبنای نگرش فقهی خود، آن را رواج داد.

این گفتمان بیعت را از یک پیمان اجتماعی به رویکردی مطلق گرا تبدیل نمود و مسأله ولایت را محدود به گروه خاصی نمود که سر جنگ و ستیز داشتند دایره ی برائت از دیگری را وسعت بخشید توحید را از جایگاه درست و بجای آن که معرفت و شناخت پروردگار باشد تنزل داده آن را مرتبط با کرده های آدمی شمرد. بدیهی است چنین نگرشی خارج از دایره ی خرد جمعی قرار دارد متن را براساس داده هایی که خارج از تفسیر آن باشد تأویل می نماید؛ پیروان چنین اندیشه ای برخلاف داشته های سلفیان اندیشیده جهاد را تنها راه تغییر و دگرگونی می شمارند. تفکر و اندیشه ی تکفیری خود را از میان هشتصد تفسیر موجود، محدود به چهار تا پنج برداشت نموده عرفان را خروج از دین می شمارد. اگر بخواهیم با چنین رویکردی که هستی ما را مورد تهدید قرار داده آینده این امت را به مخاطره افکنده است به مقابله برخیزیم بر ما و تمامی مراکز مطالعاتی است که اقدام به پالایش میراث گذشته مان بنماییم تا مسلمانی برخوردار از تسامح را پیش روی بگذاریم.

سخنران سوم جلسه نخست دکتر عبدالغنی عماد (کارشناس جنبش های اسلامی) از لبنان بود که مقاله ای را با عنوان "نقش عوامل اجتماعی سیاسی در شکل گیری پدیده ی تکفیر" را ارایه نمود.

وی طی سخنانی اظهار داشت: پرسش این است که چه هنگام خشونت سیاسی مشروعیت می یابد و معیارها و دایره وسعت آن تا کدامین نقطه را فرا می گیرد؟ پیش از پاسخ به چنین پرسشی باید میان مفهوم مشروعیت و جانمایه هایی که جامعه آن را برمی گیزند و جان مفهوم مشروعیت، تمایز و تفاوتی را قائل شویم. ممکن است سلطه ای بر پایه ی جانمایه های احکام و قوانین رایج شکل پذیرفته باشد اما در عین حال مورد پذیرش ملت نباشد؛ چنین می شود که اقدامات خشونت آمیز مشروعیت می یابد زیرا چنین اقدامی مستند به قانون بوده هرچند که مردم آن را برنتابند و استناد بدان را غیرقانونی بشمارند و چنین می شود که به محاجه و سرپیچی و شورش و نافرمانی روی می آورند و در نتیجه به خشونت پناه می برند و آن را مشروعیت می بخشند. بی شک از دل چنین پدیده ای، ریشه های خشونتی پای می گیرد که سلطه گران آن را خیانت شمرده زورمداری تغییر و تکفیر نیروهای غیر رسمی را موجب شده در نهایت آن را گونه ای شیطان صفتی قلمداد می کنند.

در این گستره مشکلی وجود دارد که برخاسته از برخورد دوگانه نظام بین الملل با آن بوده دستمایه ی ورشکستگی سیاسی و اخلاقی این نظام گشته نمونه اش را در مسأله فلسطین و دیگر نقاط جهان، به خوبی باز می یابیم. مشکل دیگر این است که نظام ها و نیروهای روی نهاده به خشونت گرایی به بهانه پاسداری از امنیت ملی و کل نظام زیر لوای شعارهای پوسیده ای ناگزیر از بکار بردن خشونت و زور می گردند و درمقابل نیروهای غیر رسمی زیر پرچم و لوای حقوق اقلیت ها و آزادی به کار گرفتن خشونت را روا و جایز می شمارند.

کدام انگیزه، گروه یا افرادی را واداشته تا وحشی و زورمدار شوند و چگونه فردی تمام داشته های خود را فدای رفتاری می کند که برآمده از ستیز و دشمنی است؟ این پدیده برخاسته از رواج سیاست های خلق الساعه جاری نیست بلکه برخاسته از طی نمودن راه دور و درازی می باشد که می توان آغازش را در تصور خطای ما از مفهوم دولتمداری حقیری شمرد که آن را تجربه نموده ایم و اکنون شاهد فروپاشی آن هستیم و در این گستره هم نگرش ناسیونالیستی و قومی وهم تصور دینی و مذهبی نقش داشته اند. تجربه نشان داده است که عشق به قدرتمداری نیرومندتر از عقیده گرایی و دینمداری است و جدال در عرصه ی قدرتمداری حد یقف و انتهای نداشته دستمایه ی افزونخواهی های جهات امنیتی گشته هرگونه تفاوت گذاری اجتماعی را مشروعیت می بخشد.

وی سخنان خود را این گونه پایان داد که دموکراسی نه تنها به مصاف تندروی ها نمی رود که دستمایه پای گرفتن و توسعه آن می گردد؛ به همین نحو اقتدارگرایی سیاسی زمینه را برای بروز تندروی ها فراهم می سازد. نظام های سیاسی عرب از چنین روندی بهره گرفته تحقق اصلاحات را موقوف به آینده نموده است سیاست های رایج خود را بر پایه ی زورمداری استوار نموده ساختارها و قوانین سرکوب را توسعه بخشیده با در پیش گرفتن چنین سازوکارهایی نخبگان را ناگزیر از جلای وطن نموده است.

اظهار نظرها:

سید جعفر علوی - بحرین:

اکثر منادیان و حامیان این گروه ها از دل صحرا برآمده اند و به لحاظ جغرافیایی به قبایلی تعلق دارند. اصل چنین تعلقی نقص شمرده نمی شود بلکه نقص و عیب در این نکته نهفته است که ستیز و دشمنی رواج داده دیگری را مهدور الدم می شمارد. ما، در بحرین حلالل به کسانی گفته می شود که بدون هیچ قید و شرطی

جان ومالشان مباح شمرده می شود؛ اکثر گروه های تروریستی برخوردار از رگ وریشه ای ملی و تاریخی نمی باشند وچنین نمادی نشان دهنده ی ظهور ناگهانی آنان در عرصه ی سیاسی می باشد و این امر بیانگر حمایت شدن مالی آنان بوده نشان می دهد که ایالات متحده ی پای گرفته بر مبنای فرهنگ گاوچرانان تغذیه کننده ی اصلی مالی این گروه ها می باشد واین کشور در ایجاد فضای رعب ووحشت نقشی اساسی دارد.

پدر یوسف مونس:

چنین باور دارم که در کنار گفتمانی دینی رفتاری مذهبی وجود دارد و همچنین متنی دینی وجود دارد؛ بحران به گونه ای مبنایی آن گونه که برخی از فیلسوفان اظهار می نمایند برپایه قرائت یک متن مقدس به وجود می آید. بحران بزرگ آن زمان روی می دهد که تکفیری ها خوانش خطایی را از یک متن مقدس پیش روی می گذارند و بر مبنای آن نگرانی روانی و ترس از سرنوشت خویش را بیان می دارند که در چنین هنگامی اقدامات خشونت آمیز سیاسی و دینی و جنسیتی روی می دهد. راه حل این است که ما دیگری را بپذیریم و وی را برادر خود بدانیم که چنین رویکردی در قرآن و در انجیل ذکر گردیده است و وجدان برآمده از تفکر انسان مدار نیز آن را تایید می نماید زیرا اعدام دیگری به معنی اعدام خود است.

رفیق الحاج (وکیل دادگستری):

خشونت تکفیری ریشه در خشونت تفکری و پدیده ی از میان برداشتن خشونت دارد. طبیعت اقتدارگرایی به داده های سلطه گرایی باز می گردد خواه این خشونت دیداری باشد و خواه شنیداری و خواه از اشغال سرزمینی برآمده باشد و خواه در نمادهای اقتصادی تجلی یابد. پایه و اساس ارائه راه حلی برای درگیری های خونین؛ نخبگان با فرهنگ را آن می دارد تا اقدام به مشخص ساختن کاربرد اصطلاحات معمول داشته شده در چنین گستره ای بنمایند و در پی در افکندن گفت و گوی با دیگری برآیند در این زمینه مانعی ندارد که اقتدار گرای خونریز اگر به گفتگو تمایل داشته باشد نیز به گفتگو نشست. پیشنهاد می کنم تفکر و اندیشه ای علمی را برای همسویی با گفتمانی لائیک را پی افکنیم؛ پیش از ما، اروپا به چنین اقدامی مبادرت ورزید و اقدام به تاسیس کلیسای لائیک نمود تا جایگاهی را برای اندیشه و خرد باز نماید و عقل را در کنار نقل قرار دهد.

دکتر محمد طی:

حلقه مفقوده ای در گفتمان ما که ویژگی حرکت های تکفیری را برمی شماریم، وجود دارد زیرا به سستی پایه های تفکر تکفیری عنایت ننموده ایم که زیارت اهل قبور و مسائلی از این دست را مردود شمرده جایز نمی داند. باید بر این نکته انگشت بگذاریم که مشروعیت عبارت است از تطابق گزینه و گزیده و قانون گرایی و مشروعیت در حقیقت بر آوردن خواست مردم و پذیرفتن باورداشت های آنان است.

دکتر طراد حماده:

اینکه کنفرانس را عنوان گروه های خشونت تکفیری نامیده ایم امری پذیرفتنی است ولی این پرسش را پیش روی می گذارم که آیا تروریسم محدود به زمان و مکان خاصی می باشد؟ بی شک اینچنین نیست زیرا

تروریسم در حقیقت گونه ای از خلاف قاعده و عرف را پیش روی می گذارد که آلوده به شر و پلشتی است و به این ترتیب وجودی نامتعارف شمرده می شود که بسیاری از سر سهل انگاری آن را منتسب به مذهبی می نمایند. چنین نمادی ریشه در اسلام ندارد.

دکتر کاظم:

ننوانسته ایم به قرائت درستی از متن قرآن دست یابیم. ما هنوز در خم مضمون و محتوای زمانی و مکانی قرار داریم. این نکته بسیار اهمیت دارد که ساختاری دینی میان داده های ادبی و نمادهایی که زمان بسیاری بر آن گذشته است، تمییز بگذارد.

*

محور دوم: نمادهای اثرگذار منطقه ای و بین المللی و ارتباط آن با پدید آمدن خشونت تکفیری

سخنان دکتر بلال التل رئیس مرکز مطالعات اردن (رئیس جلسه)

اشغال افغانستان توسط شوروی غیرت جوانان مسلمان را برانگیخت. برخی از نیروهای عرصه ی بین الملل در این تحولات فرصتی را برای تصفیه حساب های خود یافته بدون توجه به این نکته که افراد مورد حمایت مالی و تسلیحاتی در آینده وبال گردنشان خواهد شد اقدام به حمایت از آنان نمودند. نگاه این جوانان به کسانی که اقدام به تجهیزشان نموده بودن تفاوتی با نگاهشان به اتحاد جماهیر شوروی نداشت. چنین شد که نیروهای تکفیری در سراسر گیتی رشد و نمو یافتند با این وجود حامیان این حرکت ها از گذشته درس و عبرت نگرفته اقدام به حمایت از سازمان های تکفیری در سوریه و دیگر کشورها نمودند.

بکار گرفته شدن نماد تکفیر به منظور تأمین اهداف ویژه ی جهات معینی را می توان در رویدادهای عراق و سوریه بخوبی مشاهده نمود که هدف از آن تسویه حساب های خاصی بوده و در نتیجه به منظور تغییر نقشه جغرافیایی منطقه زیر پوشش جنگ های تکفیری معمول داشته شده است. چنین گردیده که منطقه را غرق در جنگ های مذهبی نموده تا منافع اسرائیل و اربابانش تامین گردد. این اطراف شناخته شده گاه به مبارزه با حرکت های تکفیری برمی خیزند و گاه از آن حمایت و پشتیبانی می نمایند.

با این روش برای سست نمودن دولت های نوپا ابزار تکفیر بکار رفته است که شدت عمل گروه های تکفیری جز در مورد کشورهای ضعیفی نظیر افغانستان و سوریه و عراق، چنگ و دندان نشان نمی دهد. این حقیقت را بخوبی رهبران گروه های تکفیری دریافته آن را بکار می گیرند. سست نهاد بودن دولت ملی اجازه بروز و ظهور شناسه های فرعی را به نام ملیت و قومیت و اسلامیت می دهد. تکفیری ها با تخریب آرامگاه های پیامبران خدمتی را به اسرائیل نموده اند که دستاویزی را برای تخریب اماکن مقدس در فلسطین بیابد.

دکتر جورج قرم استاد مسائل مالی و اقتصادی از لبنان، سخنران نخست این محور بود که مقاله ای را با عنوان "گروه های تکفیری و نیروهای بین المللی: حمایت و تضاد منافع" ارائه نمود. وی اظهار داشت: این اجلاس باید جایگاهی بیابد که هر عربی در هر نقطه از جهان بتواند از آن بهره لازم خویش را ببرد. همسویی و هم گرایی میان این گروه ها و آمریکایی ها وجود دارد. ایالات متحده در پی آن است که منطقه را به منظور تأمین منافع خویش به آشوب بکشد تا زمینه های سلطه ی آن بر منطقه ی عربی فراهم گردد. این منطقه به دلیل تعلق کشورهای عربی به ساختارهای مختلف و عدم برخورداری از یک دولت وحدت

ملی اعراب که آنان را برخوردار از قدرت و توانمندی نماید، منطقه ای سست نهاد می باشد. میان ما اعراب و دولت های پارسیان و ترک ها تفاوت و فرقی آشکاری وجود دارد زیرا این دو قومیت برخوردار از دولت های مستحکمی هستند ولی ما اعراب که با ظهور رسالت اسلامی و برخورداری از فتوحات شایان معجزه ای را پیش روی نهادیم و از ستون های فرهنگ اسلامی شمرده می شدیم و بسیاری از فرهنگ های جهان را تغذیه نمودیم از اعمال سلطه کناره گیری کرده امور را به دست فارسیان و اتراک سپردیم و خود از صحنه ی تاریخ کناره گیری نمودیم. چنین باور دارم که مشکلات امروز ما ناشی از کم تجربگی مان در پیشبرد ساختارهای سیاسی بوده به سستی نهادینه ای خوی گرفته ایم که برخاسته از عوامل درونی و برونی است. تمایز این عوامل از یکدیگر کار دشواری می نماید زیرا نیروهای داخلی ما با تکیه بر قدرت های خارجی و کمک گرفتن از آنان پای گرفتند درحالی که قدرت های خارجی با حمایت از گروه های ویژه ای در صدد حفظ منافع خویش بودند. چنین می بینم که ناگزیر از تمایز میان تاسیس تروریسم بین المللی که به نام اسلام گرایی مسلمانان مختلفی را از ملت های مختلف گرد هم آورده است و تروریسم داخلی که برخاسته از اسلام سیاسی عرب در مصر و مراکش می باشد تفاوت قائل شویم. نیروهای اسلام سیاسی در بسیاری از موارد خشونت را در محیط داخلی خود اعمال می نماید و اقدام به ترور می کند که ترور انور سادات را می توان آغاز این حرکت ها شمرد.

سخنران سپس این گونه اضافه نمود: چنین باور دارم که بازگشت به منابع فرهنگی پدیده ای بسیار پراهمیت شمرده می شود. تربیت ده ها هزار تن از ملل عرب و اعزام آنان به افغانستان و بوسنی هرزگوین و سپس چچن طی جنگ افروزی های گسترده ای که عربستان و پاکستان در آن سرمایه گذاری نمودند منطقه را به ویرانی کشاند این اقدام برای ایالات متحده اقدامی حیاتی شمرده می شد تا جوانان عرب جنگی را به نیابت از آمریکا که در جنگ ویتنام شکست خورده بود معمول دارند؛ بنابراین متأسفانه باید گفت که ما اعراب مجریان نقشه های آمریکا به منظور تأمین منافع وی بوده ایم. بیشک آنچه اکنون در سوریه روی می دهد زمینه را برای بازآفرینی ارتشی از تروریست ها فراهم نموده تا بتواند در آینده به مصاف دشمنان ایالات متحده در روسیه و قفقاز برود و ارتشی بین المللی بجای مبارزه با دشمنان در فلسطین، بدان سوی گسیل گردد.

نکته دیگری که ناگزیر از پرداختن به آن هستیم این است که اکثر فرهیختگان عرب در دامی افتاده اند و تلاش کرده اند پاسخ هانتینگتون را بدهند که چنین باور دارد اکثر تمدن ها باید به منازعات داخلی روی آورده به جنگ با یکدیگر بپردازند که این امر تنها برخاسته از چشم طمع داشتن قدرت های بزرگ به منابع منطقه نمی باشد؛ پاسخ به چنین پردازشی را برخی از اندیشمندان عرب نظیر ادوارد سعید به گونه ای نامناسب و خطا داده اند. چنین است که سازمان القاعده و ساختارهای دنباله رو آن در زمین برخورد تمدن ها به بازی روی آورده اند و چنین گشته است که هر شهروند باختر نشین که شاهد چنین افت و خیزهایی گردد اظهار خواهد نمود که نمی توان با مسلمانان همزیستی مسالمت آمیزی داشت.

وی در ادامه سخنان خود اظهار نمود: ما مثلث شیعی یا محور شر را بدعت نهادیم. آمریکا به دنبال فروپاشی شوروی دشمن نوینی را اختراع نمود تا حضور ارتش خود را در سراسر جهان مشروعیت بخشد؛ اتهام حزب الله به تروریسم از همین خاستگاه برمی خیزد درحالی که این حرکت به دنبال مشروعیت بخشیدن به مبارزه خود علیه اسرائیل می باشد؛ ما در این باره نیز سکوت گزیدیم و هیچ اقدام چشمگیری را معمول نداشتیم.

وی در ادامه اظهار داشت: جنگ وستیز با تروریسم نمایشی رسواست زیرا رسانه های بین المللی و رسانه های عرب همگرای با آن ها تلاش بر تارکیک جلوه دادن تصویری از این واقعیت دارند. پس چه باید کرد؟ ما باید تلاش گسترده ای برای سست نمودن پایه های جنگ تمدن ها مبذول داریم واستعمار آمریکایی صهیونیستی را رسوا نماییم واقعیت آنان را باز نماییم. بسیاری از روشنفکران مسلمان، گرفتار چنبره ی گفتمان های بیهوده شدند که اشعار به وجود برخورد تمدن ها داشت. امروزه می بینیم ایران بر مبنای پیمان هسته ای خود به جهان غرب روی آورده است؛ تعداد دانش پژوهان جوان عرب در باختر زمین بسیار است؛ آیا ما غرب را باید دشمن بخوانیم در حالی که صدها درمانده از مهاجران در آن پناه می جویند تا در سایه دولت های مسیحی و یهودی زندگی بهتری را تجربه کنند؛ این نمادها چه سان می تواند برخورد تمدن ها شمرده شود؟ باید با چنین مدعایی به سختی مبارزه نمود.

دکتر قرم سپس خواستار عربی سازی منازعات اعراب گردیده اظهار داشت امروزه اتحادیه عرب به مراکز دنباله رو پیمان ناتو تبدیل گردیده است ما تا چه زمانی می خواهیم مناقشات خود را رنگ و بوی بین المللی بدهیم؟ باید به آزادسازی فلسطین روی آوریم سپاس خداوند را که اکنون حزب الله و حماس پرچم رهایی فلسطین را برافراشته اند هرچند که حماس تجمعی دینی می نماید اما مگر اسرائیل ادعای پیروی از صهیونیسم را نمی نماید؟

دومین سخنران جلسه کارشناس حقوق بین الملل آقای حازم محمد عتم از کشور مصر بود که مقاله خویش را با عنوان "خشونت تکفیری از دیدگاه عرف بین المللی" ارائه نمود.

وی اظهار داشت: پدیده ی "گروه های تکفیری" و نماد "گروه های خشونت تکفیری" هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. این دو نماد هر دو یک پدیده بشمار می آیند و هر تلاشی برای بازآفرینی و بازتعریف گروه های تکفیری یا گروه های خشونت تکفیری تلاش مذبوحانه ای برای مشروعیت بخشیدن به آن است که این امر می خواهد برخی از گروه های یادشده را درحالی مشروعیت ببخشد که رنگ و بوی تروریستی دارند.

وی خاطر نشان نمود که: گروه های تکفیری خود را زیر پوشش مرجعیت دینی قرار داده اند؛ همه گروه های تکفیری چنین رنگ و بویی دارند بخصوص که این روند در صهیونیسم پیش از اسلام گرای ملاحظه شده است که نگرش دینمدارانه را هم در عرصه ی داخلی و هم در محیط بین الملل برتر از داشته های آن ها می شمارد. این برتری جویی آنان بر قوانین ومقررات بین المللی حق فراشماری آنان را بر مبنای داده های اسلامی دستاویزی برای فرا انگاری آنان را به وجود می آورد.

مقررات وقوانین بین الملل داشته هایی را در اختیار دارد که عبارتند از: انکار سلطه ی دولت ها بر داشته های خویش؛ انکار دولت ملی ودولت قومیت گرا؛ انکا تمامی داده های شناخته شده مقررات جنگی؛ دولت ها پول شویی ونظایر آن همچون اعمال جنایت های جنگی را بر نمی تابند اما گروه های مزبور آن را مباح، جایز و روا می شمارند.

اقتدار دولت در استقلال آن از دولت های دیگر رقم می خورد و همچنین در تثوانمندی آن برای اداره امور محوله اما گروه های تکفیری که به سلاح مجهز می گردند و در داخل یک نظام نشو و نما می یابند، هنگامی که فرصتی به دست آورند علیه دولت به پای برمی خیزند. دولت مدنی شکل گرفته در اروپا که پایه های آن بر ویرانه های پادشاهی گذاشته شد دولت هایی لائیک هستند واین امر بدان معنی ومفهوم است که نظام های سر برآورده از دل آن نظام هایی لائیک هستند؛ آیا اسلام عنایت به تاسیس دولت دینی داشته است

طبیعتاً پاسخ چنین پرسشی منفی است؛ این دولت ها به گونه ای شورایی در چارچوب گروه های دولتمدار برخوردار از هویت دینی، اداره می شوند. اگر نظام حاکم بر مبنای داده های دینی شکل نگرفته باشد، گروه های مزبور این حق را به خود می دهند که علیه آن قیام کرده با آن به مبارزه مسلحانه برخیزند. سخنران چنین اشاره داشت که: این گروه ها عنایتی به قوانین و مقررات بین المللی نداشته از داده های دینی خود پیروی می نمایند و دیگر اینکه اظهارات آنان تکرار گفته های صهیونیسم بین الملل است خواه برگرفته شده از دولت یهود باشد و خواه برآمده از داده های صهیونیت غیر یهودی یعنی اینکه نگرش دینی اگر برگرفته شده از دیدگاه های بیان داشته شده توسط شهروندان باشد و یا برگرفته از پیمانی بین المللی باشد که چنین رویکردی حق را به اسرائیل می دهد که هرچه بخواهد در فلسطین اعمال نماید.

اظهار نظرها:

دکتر خیرالدین حسیب: آیا خشونت، محدود به گروه های تکفیری است؟ شرایطی که اجازه می دهد خشونت/مقاومت باب گردد، کدام است؟ آیا خشونت توسط گروه های غیردینی هم به کار گرفته می شود؟ این موضوع نیاز به توضیح دارد.

درعین حال مقاومتی دور از خشونت هم وجود دارد که در کشورهای عربی معمول می باشد. همچنین مقاومت زورمدار هم دیده می شود که برآمده از اشغال است خواه این اشغال توسط صهیونیست ها در فلسطین شکل گرفته باشد و خواه در هر جای دیگر کشورهای عربی رقم خورده باشد.

در برخی از کشورهای منطقه خشونت به منظور دستیابی به خواسته های بومی رقم خورده شکل پذیرفت برای نمونه در عراق طی سال ۱۹۵۹ حزب کمونیست این کشور با تکیه بر زورمداری پای گرفت و این بیماری به دیگر احزاب منتقل گردید. چنین باور دارم که مخالفت در محیط داخلی یک کشور باید دور از زورمداری صورت بگیرد وگرنه دولت حق دارد با آن به مقابله برخیزد.

سرلشگر امین حطیب: آرزو داشتم اجلاس زیر عنوان گروه های تحریف دینی تشکیل می گردید زیرا تعبیر خشونت و زورمداری در جایگاه خود به کار نرفته است به ویژه اینکه برخی از اقدامات خشونت آمیز مشروع و جایز شمرده می شود همچنین تعبیر تکفیر در روند سخنان بیان داشته شده محدود به گروه های اسلامی شده است که درست نمی باشد.

باید بیش از پیش بر مصونیت های ذاتی و داخلی تکیه نماییم زیرا گروه های مزبور را از انجام اقداماتش باز خواهد داشت وکس را نخواهد یافت تا خواسته هایشان را برآورد. ناگزیر باید نقاط مبهم را از کار انداخته با نقاط ضعف مقابله کنیم.

دکتر عصام نعمان: منافع ملی و موازنه ی قوا دو داده اساسی در تاریخ های معاصر وکهن می باشند که دولت های بزرگ و کوچک آن هارا باور دارند. چنین باور دارم که باید داده ی فعال نوینی را به نگرش ها اضافه نمود که عبارت است از فرهنگ و همچنین انقلاب ارتباطات و اثرات آن. فرهنگی را که کشورهای بزرگ بخصوص ایالات متحده که بهتر است آن را ویلات متحده بخوانیم، موفق شدند در برنامه ریزی های خود بخصوص در عرصه بسیج نیروهای تکفیری چنین فرهنگی را توسعه بخشند. فرهنگ رایج در جامعه های ما فرهنگی سطحی و بی مایه است که می توان آن را در خدمت اهداف مغرضانه ای قرار داد

پس چگونه انتظار داشته باشیم که آمریکا و اسرائیل در اقدامات خصمانه خود از آن بهره نگیرند و اقدام به پی ریزی ساختارهای زورمدار ننمایند در حالی که ما با فتوای یکی از "بزرگان دین" نه در گسره ی عراق و منطقه انبار مواجه میگردیم که فروش یخ را به این دلیل در تابستان ناروا می شمارد که در عصر و زمان رسول الله(ص) چنین پدیده ای وجود نداشته است. ما ناگزیر از بازنگری فرهنگ خود می باشیم تا بتوان انقلابی فرهنگی برای مواجهه با اقدامات دشمن، پی ریزی کنیم.

دکتر طلال ساحلی: این گفته که میراث دینی خلل پذیر می باشد ما را برآن می دارد که دایره امر را توسعه دهیم و واقعیت های اقتصادی و سیاسی و شرایط زیست مداری خود را لحاظ نماییم آنچه را که تکمیل کننده تفکر تکفیری می باشد بازشناسیم؛ ریشه هایی وجود دارد که بسار فراتر از نمادهای بیان شده باشند زیرا هر پدیده و نمادی را می توان ارتدادی تاریخی شمرد نیز چنین بیاور داریم که لیبرالیزم نوین اقدامات خود را در گستره ی سرمایه گذاری های خویش تا بدانجا پیش برده است که داده های اخلاقی را سست و لرزان نموده است. سرمایه گذاری در این گستره ها تنها نگاه سودجویانه ای داشته هرگونه کابردی را برای تامین چنین خواستی جایز و روا می شمارد و اراده و خواست خود را درباره آن اعمال می نماید. این پدیده ای است که ما در پی بحث درباره آن برآمده ایم.

احمد هارون: طی سال ۱۹۶۲ پیروان مذهب زیدیه یمن یک سوم ساکنان این کشور را شکل می دادند. پس از آن که عربستان بران شد که با احداث ۱۲۰۰ مدرسه را در شمال این کشور و در دل منطقه ای که زیدی ها در آن به سر می بردند، وهایی نماید براین اساس برخی از قبایل زیدی وهایی شدند؛ آنچه را که من در پی بیان آن هستم این نکته است که داده ی اقتصادی به کمک سعودی ها شتافت آنان را به دل جامعه یمن راه داد.

فادیا حسینی: تروریسم ریشه ها و حکومت های خود را دارد. این پدیده را ما در بحرین و در برخی از وکلای مجلس کویت که از اقدامات تروریستی انجام گرفته در سوریه حمایت می کنند، بخوبی باز می بینیم. تروریسم شناسنامه و دولت خود را دارد که به این گروه ها مشروعیت می بخشد تا همانند دولت های عربی موجود در بحرین و یمن و برخی از نمایندگان مجلس کویت اقداماتی را معمول دارند هرچند که این یک از سوی برخی از دیگران به دلیل انتساب به این گروه ها مورد تهاجم قرار گرفت. باید برای مبارزه با تروریسم برنامه ریزی نمود.

*

محور سوم: ساختارهای اداری مالی و نمادهای اقدام نظامی و اجتماعی و ابزارهای ترویج

رئیس جلسه: شیخ محمد کوثرانی

سخنران نخست: مصطفی زهران، رئیس مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی "ستا" - قاهره

عنوان مقاله: دولت اسلامی داعش و ساختارهای اداری مالی و نمادهای اقدام نظامی و اجتماعی و ابزارهای

ترویجی

سخنران طی بیاناتی اظهار داشت نامگذاری اجلاس در دو جلسه ی اول و دوم تحت عنوان گروه های تکفیری چنین می نمایاند که اقدامات مزبور تنها توسط اهل سنت صورت می گیرد در حالی که به باور

وی این نامگذاری تنها می تواند گروه داعش را مد نظر قرار دهد. وی تلاش نمود ساختارها مالی و اداری و نمادهای اقدام نظامی و ابزارهای ترویج چنین سازمانی را در عراق و شام بازنمایاند. سخنران ضمن برشمردن مراحل سه گانه ای که این ساختار از زمان پی ریزی شدن آن توسط بن لادن تا کنون بر آن گذشته است به این نکته اشاره نمود که اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ را می توان سرآغاز تشکیل هسته های اصولگرایی در عراق به شمار آورد زیرا در آن هنگام بسیاری از ناظران بر تاسیس جریان جهادی سلف گرا توسط شیخ احمد خلیله که با نام ابومصعب زرقاوی شناخته می شد، تاکید می نمودند. سخنران به این نکته اشاره داشت که ابومصعب زرقاوی در رویکرد خویش تفاوت چندانی با تشکیلات مادر چنین حرکتی نداشت بل شاخه ای از آن به شمار می آمد خود نیز به گونه ای گسترده بر این امر تاکید می نمود و شیوه های به کار گرفته شده توسط القاعده را معمول می داشت که گردن زدن های صورت گرفته توسط وی در عراق از جمله مناظر رایجی گردید که در همان زمان بن لادن و معاون وی ایمن الظواهری او را به خاطر آن سرزنش نمودند.

سخنران اظهار داشت پذیرفته شدن ابوبکر بغدادی برخاسته از باور "جنبش الصحوه" در عراق بود که نقش عمده ای را در اقدامات معمول داشته شده توسط سازمان داعش در این کشور را ایفا نمود چرا که اقبال مردمی به این جنبش را تسهیل نمود آن را واداشت از چنین پذیرشی کمال بهره برداری مطلوب را بنماید و چنین بنمایاند که این حرکت در جهت یاری رساندن به اهل سنت پی ریزی شده می تواند آنان را از افزون خواهی دولت "شیعی" عراق که در آن زمان توسط نوری المالکی اداره می شد، برهاند. اهل سنت حمایت و پشتیبانی از توانمندی های بغدادی در رویارویی با ارتش نوری المالکی را بازتاب یک سوگرایی برخاسته از مذهبی می شمردند که برخی از ساختارهای شیعه عراق آن را درافکنده بودند و به زعم خویش به مواجهه با حضور ایرانیان در عراق روی آورده بودند که به حساب جریان شیعه گرای حکومت مرکزی گذاشته شده آن را دلیل اصلی حضور خود در کنار ارتش بغدادی می دانستند و باور داشتند این حرکت می تواند آنان را از قید طایفه گرایی موجودی برهاند که سوریه نیز بر مبنای ادعای رئیس این جنبش، از آن مستثنی نمی باشد.

وی در ادامه اظهار نمود که دلیل عمده ی ظهور و بروز داعش در ابتدا برخاسته از رواج یک پذیرش مردمی اهل سنت بود که گمان داشتند این حرکت برای آنان گونه ای از مهدویت شمرده شده می تواند آنان را از قید و بند مذهب گرایی مالکی ویران همپای وی برهاند و چنین گردی که در این داد و ستد آب از سر آنان گذشته و داعش تنها منجی آنان شمرده میشود.

مقاله شرح مبسوطی از ساختار تشکیلاتی داعش و مفهوم و معنای خلافت اسلامی را پیش روی نهاده داده های مجلس شورای این سازمان را که توان عزل خلیفه در صورت بازماندن وی از انجام تکالیف محوله بازماند را داشته بر این نکته انگشت نهاده است که مجالس موجود در ساختار تشکیلاتی این سازمان برابر با وزارتخانه هایی است که در بنیاد ساختاری دولت های نوین وجود دارد و در این تشکیلات با عنوان والیان و سخنگوی نظامی و نائبان خلیفه و شورای حل و فصل و مجمع شرعی و هیئت رسانه و بیت المال شناخته می شوند. همچنین به اهداف ترسیم شده در سازمان و ابزارهای اقدام که در همگرایی فکری و فقهی و اطاعت محض از خلیفه و دولت و سنجش توانمندی دولت سخت مدار و برخورداری از استقلال مالی و خودکفایی آن اشاره داشت.

سخنران بر این نکته انگشت نهاد که مشکل واقعی در تعامل با دولت داعشی در این اصل نهفته است که بر اساس تجارب موجود، این ساختار را همسان و همانند قاعده و طالبان می‌شمارند و بدین جهت جایگاه آن را از آن روی ناچیز می‌دانند که چیره گشتن بر القاعده و محدود نمودن توانمندی نیروهای پارتیزانی این بدنه و ساختار طالبان، طی دو دهه امکان پذیر شد و بر همین منوال داعش نیز در آینده ی نزدیکی همان سرنوشت را تجربه خواهد نمود؛ که البته چنین نگرشی در یک نگاه کلی، خطا به نظر می‌رسد زیرا کلیات امر نشان می‌دهد که این جنبش بیش از حرکت های مسیوق به خود امکان بقا را دارد. وی به تلاش گسترده برای درک درست این جنبش فراخواند اظهار نمود که این حرکت یک اصولگرایی را پیش روی می‌گذارد که برخاسته از گرایش های فقهی و مشروعیتی برآمده از فقه سنی گرا بوده در نهایت کار بر اساس نگرش مدعیانش، به خلافت اسلامی راه می‌یابد و همه ناگزیر از قرار گرفتن در گردونه آن و اطاعت محض از رهبرانش و بیعت با خلیفه اش می‌باشند؛ این نگرش کلی موجود در جنبش داعش بوده پیروان آن جان بر کف در راه اعتلای آن با بهره گیری از هرگونه ابزاری حاضر به فداکاری هستند و چنین نگرشی بسیار خطرناک بوده مارا بر آن می‌دارد فکر و اندیشه ی درستی را به منظور مقابله با چنین رویکردی، در افکنیم.

سخنران دوم **سمیر الحسن** (نویسنده و کارشناس مسائل نظامی و جنبش های اسلام گرا) بود که مقاله خود را با عنوان **"گروه های اقدامات خشونت آمیز جهادی: ساختارهای نظامی و روش های مبارزه"** ارائه نمود. سخنران بحث مشبعی را درباره بازتاب های اقدامات نظامی حرکت های "جهادی" را پیش روی نهاد که خمیرمایه اولیه آن در افغانستان شکل گرفت و مبارزان عرب را برای مواجهه با نیروهای اتحاد جماهیر شوروی راهی افغانستان نمود که ایالات متحده و عربستان و دفتر خدمات اخوان المسلمین که نقشی لوجستیکی در این عرصه ایفا نمود در گردآوری نیروهای مزبور نقشی اساسی داشتند هرچند که رنگ و بوی این جنبش صبغه ای افغانی داشت و تنها به مصاف اشغال معمول داشته شده توسط شوروی برآمد و در پی این تحولات مسأله جنگ عراق در سال ۱۹۹۱ دستمایه ی شکل گیری القاعده در سودان گردید و نخستین نسخه جنبش و حرکت جهادی تدوین گردید.

سخنران چنین اشعار داشت که یکی از شاخصه های برجسته ی نسخه های اولیه شکل گیری القاعده که پایگاه خراسان تاسیس شده در سودان توسط بن لادن آن را پیش روی می‌گذارد و پس از اشغال افغانستان توسط آمریکا بسیار برجسته گشت؛ اقدامات شاخه ای روا شمرده شده برای این ساختارها بود که آن را از استقلالی ذاتی برخوردار نمود. در همان هنگام احمد فضیل الخلیل (زرقاوی) طی سال ۲۰۰۳ ساختاری مشابه با پایگاه خراسان را پی ریزی نمود آن را گروه توحید و جهاد نام نهاد. این نسخه نوین دارای شاخصه های ویژه ای بود زائران کربلا و نجف و اماکن اسلامی و غیر اسلامی را به قصد کشتار آنان هدف قرار داد که یکی از بارزترین شخصیت های قربانی شده بدست این گروه، رئیس مجلس اعلا ی اسلامی عراق سیدمحمدباقر حکیم در ماه اوت سال ۲۰۰۳ در نجف بود؛ طی ماه مارس همین سال ۲۷۱ تن را در مراسم عاشورا از میان برداشتند.

پس از کشته شدن زرقاوی که شکل گیری "دولت اسلامی عراق" را اعلام کرده بود، گروه وی با ابوبکر بغدادی در ماه می ۲۰۱۰ میلادی بیعت نمود. این شخص با همکاری هم بندان خود در زندان "بوکا" نسخه سوم سازمان القاعده را پیش روی نهاد که گسترده تر از نسخه های مشابه قبلی خود بود. ابوبکر بغدادی

درباره زندان "بوکا" این گونه سخن می گوید: "این زندان عرصه ی شکل گیری گروه مان بوده ما را که همگرای با یکدیگر بودیم گرد هم آورد و این نکته برای ما اهمیت بسیار داشت". این نسخه جدید، اعتقادی به مرزها نداشته براساس هویتی برگرفته شده از اعتقادات مذهبی پای گرفت و عراق و سوریه را از آن روی تجمیع نمود که بر زمینی پای بگیرد که اهل سنت در آن سکونت داشته باشند تا بتواند زمینه ی وحدت آنان را فراهم سازد.

سخنران به برشمردن شاخه ها و شعبه های القاعده در سراسر جهان پرداخت و چنین اظهار نمود که این سازمان نخست در سال ۲۰۰۲ شاخه ی سینا سپس شاخه ی پاکستان و پس از آن بوکوحرام در نیجریه و بعد شاخه های الجزایر و یمن و لیبی و چین را شکل داد. همچنین به تشکیک جبهة النصره که اسامه واحدی (ابومحمد جولانی) آن را در ماه می سال ۲۰۱۲ در حالی بنیاد نهاد که در ماه مارس همان سال بغدادی را از بیعت خلع و با ایمن الظواهری بیعت نموده بود که این امر دستمایه بروز نزاعی میان آنان شد زیرا ظواهری اعلام نموده بود که تکرار تجربه دولت اسلامی عراق را نمی پذیرد.

از سویی دیگر سخنران این باور را دارد که برغم پیروزی ها و دستاوردهایی که "دولت اسلامی عراق و شام، داعش" آن هارا محقق نمود نمی توان چنین دستاوردهایی را نشان قدرت دانست زیرا سوریه و عراق از دولت های توانمندی برخوردار نبوده اند. ارتش سوریه مدت پنج سال است که در جنگ پیچیده و هزارلایه ای گرفتار آمده است و ارتش عراق هنوز هم گرفتار چنبره شرایط تحمیلی است رویارویی داعش با این دو ارتش نشان که دو ارتش مزبور از محدودیت هایی برخوردار می باشند بخصوص که شرایط موجود به دلیل برخورداری از پیچیدگی ویژه خود نیازمند بهره یافتن از ارتش های نوین می باشد نه اینکه به کمک نیروهای بسیج مردمی و ارتش دفاع ملی در مقابل آنان پایداری نمود.

با این همه سخنران به نقاط ضعف داعش پرداخت و چنین اضافه نمود که امکان شکست دادن نیروی داعش بی هیچ شک و شبهه ای وجود دارد زیرا این گروه از مقابله رویاروی مستقیم اجتناب می نماید همچنین اگر از محورهای متعدد مورد تهاجم قرار گیرد، در دفاع از خود ناتوان می نماید. ارتش های کلاسیک معمولاً از گستردگی مساحت مورد تهاجم بهره می گیرند زیرا وسعت سرزمین مورد تهاجم این امکان را بدان ها می دهد که شهرها و مناطق مختلفی را مورد تعرض قرار دهند و چون دولت داعش بیشتر تهاجمی می باشد تا دفاعی گسترده بودن منطقه جغرافیایی از توان آن می کاهد و این مساله برتری ارتش های کلاسیک را برای معمول داشتن ضربات در مناطق گسترده فراهم می سازد.

وی اضافه نمود: داعش جز در دشت ها اقدام به جنگ نمی نماید زیرا حضور در چنین عرصه ای امکان استفاده آن را از ماشین های بمب گذاری شده فراهم می سازد؛ این ساختار توان جنگیدن در مناطق کوهستانی را ندارد نمونه کار را می توان در کوبانی، حسکه و تل ابیض (تپه سپید) به خوبی مشاهده نمود. می توان با خلل وارد نمودن در سیستم ارتباطات مخابراتی می توان مانع برخورداری گروه ها از تماس با مرکز گردید و میان مجموعه ها جدایی افکند تا بتواند شبکه ارتباطی آنان را مختل نمود بخصوص که مجموعه های یاد شده در منطقه گسترده ای پراکنده اند که دارای ویژگی های سرزمینی پیچیده ای است از این طریق می توان مانع از رسیدن نیروهای امدادی به آنان گردید.

این کارشناس مسائل نظامی چنین خواست که اقدامی در جهت تصحیح راه های مقابله و مواجهه ی نظامی صورت گیرد شیوه های مقابله به صورت جبهه ای و جنگ رویاروی صورت پذیرد تا بتوان فضاهای ناپیدا را در اختیار گرفت اقدام به پاکسازی آن ها نمود تا مانع انتقال آنان از نقطه ای به نقطه دیگر شد.

وی اظهار نمود: در کوبانی کردها طی مقابله و جنگ رویاروی همان سان که در حسکه و تپه سپید روی داده بود پردازند و همانند حزب الله که در شرق حمص و قلمون اقدام نموده بودند عملیات موفقیت آمیزی داشته باشند. می توان با معمول داشتن اقدام مستقیم مکرر و کمین گذاشتن های پیشرفته و انجام عملیاتی در پشت جبهه های آنان توان دفاعی این گروه ها را از آنان گرفت.

وی افزود برای دفاع از مراکز و پایگاه های نیروهایمان باید اقدام به ایجاد موانع خاکی بصورت زیکزاک نمود و خندق هایی در اطراف این پایگاه ها به منظور مانع شدن نیروهای داعشی و خودروها و کامیون های آنان که نوعا انفجاری هستند، ایجاد نمود که چنین اقدامی قدرت حمله این گروه ها را اندک ساخته و در عین حال با ایجاد برج های بلند نگهبانی که به موشک و نیروهای کمینی آراسته شده باشند؛ امکان شکار چنین خودروهایی را فراهم آوریم.

وی بر این نکته نیز انگشت نهاد که گروه داعش هیچ توجهی به قوانین و مقررات بین المللی نداشته ابایی از ویران ساختن اموال عمومی و خصوصی ندارد به هیچ اصلی پای بند نبوده حتی اهمیتی به سلامت سربازان نمی دهد و چنین رویکردهایی را در بسیاری از عملیات انتحاری آنان دیده ایم همان گونه که دیدیم در عملیات علیه کوبانی بیش از ۶۰ نفر از نیروهای انتحاری آنان و در پالایشگاه "بیجی" ۲۰ تن از چنین نیروهایی و تپه سپید ۳۲ تن شرکت داشتند و هیچگاه پاسخگوی جامعه و محیط بین الملل نبوده و نیستند تنها زمانی که عملیاتی صورت نپذیرد امیر آنان مورد یسؤال قرار می گیرد.

سخنران سخنان خود را این گونه پایان داد که داعش با تاکید بر انجام عملیات نظامی عمل گرایی را به گونه ای پیش روی نهاده است که اولویت را به فرماندهی میدانی میدهد و در این زمینه دو روش یارگیری و نظامی را در یکدیگر ادغام نموده نمونه های آن را در تحرک این گروه از تپه سپید و رقه به کوبانی یا از پالایشگاه بیجی به "هیت" به گونه ای برق آسا؛ می توان یافت که در این زمینه کلیه داده های دیوانسالاری را کنار نهاده اقدامات میدانی را اولویت بخشیده است. وی افزود برخی از کشورها از ادغام دوشیوه یاد شده بهره می گیرند یگان های خود را همانند ارتش های سوئیس و ایران به گونه ای تعلیم می دهند که نیروهای نظامی بتوانند در عین بکار بستن شیوه های سنتی از روش های معمول داشته شده در جنگ گروهک ها نیز بهره جویند. وی اظهار داشت داعش شاهد ارتقای ساختارهای نظامی و اداری خویش بوده از مرحله ناچیز شمردن توان و جایگاه دشمن عبور نماید تا پیروی و تابعیت از امارت را جایگزین آن نماید و از این طریق استراتژی و راهبرد اعمال شده توسط "پایگاه خراسان" را که عنایت به ستیز با دشمن دور یعنی آمریکا را داشت؛ کنار نهد به رویارویی با دشمن نزدیک که نظام های سیاسی موجود باشد روی آورد از ناتوانی امنیتی آن ها و سست نهادی دولت ها و هرج و مرج برخاسته از "بهار عربی" بهره جوید.

سخنران سوم استاد **أمیة نوفل الصدیق** کارشناس مطالعات سیاسی موسسه المقدمة تونس بود که مقاله ای تحت عنوان **"مشارکت گروه های جوان در گروه های افراطی: با عنایت به تونس و لیبی"** ارائه کرد. سخنران با پیوند دادن پدیده ی خشونت به مسأله دولت، روی موافق نشان داده بر این نکته تاکید نمود که رواج چنین پدیده ای در منطقه ی ما، برخاسته از رواج بحران در دولت سرزمینی یا کشوری می باشد که می توان آن را بحران پس از گذار از مرحله ی سایکس بیکو نامید. چنین دولتی در منطقه ما مواجه با بحران بزرگی است که در حال حاضر شاهد اوج آن می باشیم که گسترده تر از نماد برآمده از بحران دولت سرزمینی نوگرا یا دولت ملی در مناطقی غیر از منطقه ما، می باشد.

وی اظهار داشت: کنفرانس های بی شماری در چهارسوی جهان برگزار می گردد و هر ساله سه یا چهار اجلاس برای بررسی این پدیده تحت عناوین مختلفی مانند مبارزه با تندروی های خشونت آمیز در یک کشور برگزار می شود. تقریباً نزدیک به یک ماه پیش، دیوید کامرون نخست وزیر بریتانیا اظهار داشت باید سیاست های خود را تغییر دهیم و نه تنها به مبارزه با تندروی های خشونت بار که با تندروی های برکنار از خشونت که زمینه را برای اعمال خشونت فراهم می سازند، برخیزیم.

بسیاری از علاقمندان موجود در تونس از ما می پرسند چگونه می توان با گرایش های اصول گرا و تندروی های خشونت آمیز مقابله نماییم؟ ما هر نوبت تلاش می کنیم داشته های بنیادین و داده های عرضی را مشخص سازیم که آیا گونه های مختلف خشونت عناصر پایه ای و اساسی این حرکت ها شمرده می شود یا اینکه نمادهای اکتسابی آن ها به شمار می آید که حاصل شرایط ویژه ای می باشند. اگر خود را از چنین نگرش هایی رهایی بخشیم در خواهیم یافت که بسیاری چنین تظاهر می نمایند که در چارچوب داده های "دولت اسلامی عراق و شام" قرار دارند اما تنها به تبلیغ آن بدین جهت اکتفا می نمایند که باور دارند در عرصه ی جهاد قرار نگرفته اند.

وی افزود: در تلاش برای پاسخ دادن به این نکته که چه داده ای موجب همگرایی این تحرکات گردیده است دریافتیم که این گروه ها نه تنها دولت های سرزمینی و ملی منطقه را قبول ندارند بلکه به مقابله و مواجهه با آن برخاسته اند یعنی اینکه بنیادهای شکل دهنده این دولت ها را نمی پذیرند و آن را به گونه ای محترک تندروی های دینی می شمارند در حالی که کانون اصلی چنین داشته هایی داعش است که هیچ حد و مرزی را بر نمی تابد و مرزهایی را که نشان دهنده حدود یک دولت شمرده می شود قبول ندارد نیز اصل اقتدارگرایی و سلطه مداری دولت ها را نمی پذیرد حاکمیت ملی یا مردمی را قبول ندارد. بنابراین ما در برابر شرایطی قرار داریم که زمینه را برای ظهور چنین تحریکاتی فراهم می سازد و این گروه ها در مناطقی بروز و ظهور می یابند که دولت در آن ها بسیار سست نهاد و ضعیف مایه می باشد.

از ما می پرسند چرا این شمار انبوه از تونس ها جذب این گروه ها شده اند؟ که با توجه به شمار جمعیت کشورمان در مقدمه و راس آن قرار گرفته است. افرادمان خود را به مراکز گرد آمدن این گروه ها می رسانند که البته این پدیده ی نوینی شمرده نمی شود اما نمادی تاریخی برای تونس است که باید آن را مورد مطالعه قرار دهیم. وی اشاره نمود که بسیاری از جوانان تونس در لبنان دوره دیده اند که البته چنین امری از دیرباز در تونس رایج و متداول بوده است. سؤال این است که چرا این مایه از تایید حرکت های مزبور در تونس دیده می شود؟ گمان دارم بخش بسیار بزرگی از مردم کشورم در این ورطه فرو افتاده اند در حالی که تونس همانند بسیاری از کشور دچار آشفتگی نیست و گفته می شود که این سرزمین نخستین کشوری بود که در آن "بهار عربی" رخ داد و توانست گونه ای از آرامش را براساس فرمول سختی پیش روی گذاشت چرا که دو گروهی که به شدت با یکدیگر رقابت داشتند هم پیمان گردیدند و اکثریت مجلس این کشور را به دست آوردند و می توان گفت که دولتی بی منازع را تشکیل دادند. بازنگری شرایط این نکته را پیش روی می گذارد که بخش عمده ای از جوانان این کشور باور دارند که دولت این سرزمین نظامی عربی است که فارغ از گفتمان جایگزینی دولتی کشوری را تجربه می کند که جذابیت خود را دارد.

داعش تلاش نمود "جامعه ای جهادگرا" را در این سرزمین متداول نماید که من در اینجا تعبیرهای آن را به عاریت می گیرم که تابع و پیرو مقررات و قوانین اجرایی روشنی بود که چگونه و چه سان با مناطق تحت

نفوذ خود تعامل نماید و مجموعه های سیاست گرا و دفترهای سیاسی را چون "دفتر حمایت و امنیت و نیابت" را در افکند که بتواند دولتی جایگزین را معمول دارد.

پاسخ این است که جوانان تونس جذب چنین ساختاری گشته خود بدان اعتراف می نمایند و این پدیده را نشان وجود خواست و رغبتی می شمارند که در پی بهبود داده های زندگی خود بوده چون شرایط معیشتی آنان سخت می باشد برای بهبود آن روسوی خاک سوریه نهاده اند تا معیشت خود را تأمین نمایند و برخی از جوانان به همراه خانواده هایشان چنین اقدامی را معمول می دارند تا سازمان به آنان رخصت دهد نیمی از دین خود را تأمین کنند و در راه خدا به جهاد برخیزند و از موصوف شدن به "بی سر و پایی" با صفت "مجاهد فی سبیل الله" خوانده شوند.

کوتاه سخن اینکه این پدیده حد یقینی ندارد و به لحاظ جغرافیایی به یک سرزمین محدود نمی گردد و همچنان ادامه خواهد داشت؛ بر ماست که آن را به خوبی درک کرده بفهمیم و بدانیم که می توان تغییری را در آن ایجاد نمود زیرا نمی توان چنین پدیده ای را در سرزمین هایی که این بدنه در آن ها وجود دارد، ریشه کن نمود اما باید دریافت که بهع رسمیت نشناختن دولت ها توسط آنان که به ادعایشان برخاسته از بیدادگری بوده باید دگرگون گردد؛ اجازه می دهد چنین سازمان های از سست نهادی دولت ها بهره برداری خویش را بنمایند.

چهارمین سخنران این جلسه عبدالله سلیمان علی (روزنامه نگار ناظر بر ساختارهای جهادی) نام داشت که مقاله ای با عنوان "روابط موجود میان گروه ها: پیمان ها و منازعات" را ارائه نمود.

پژوهشگر بحث خود را که ناظر به عوامل واقعی همگرایی و واگرایی شاخه های "جهادی" بود ارائه نمود و این پرسش را مطرح ساخت که آیا روابط این گروه ها ناشی از رواج عوامل اعتقادی و سیاسی است و در نهایت آنچه را که دستمایه ی شکل گیری شرایط "جهادی" در سوریه شده است برشمرد به تحولاتی اشاره داشت که دستمایه بروز اختلاف هایی میان دو شاخه از حرکت های جهادی گردید که عبارتند از "جبهة النصرة" و "آزادگان شام (احرار الشام)" و در نهایت منازعه رقم خورده میان جبهة النصرة و دولت اسلامی عراق و شام، نخست در عراق و سپس در سوریه، رخ نمود.

این پژوهشگر پنین باور دارد که وضعیت "جهادی" سوریه در گوشه و کنار و زوایای پنهان این سرزمین دور از دیده ها در حال شکل گیری بود که ظهور "بهار عرب" لحظه ی دلخواه را برای آن فراهم نمود تا "جهادگران" سوار بر امواج آن به جولان درآیند. وی این عوامل پنهان را چنین برشمرد:

۱- تنها چند هفته پس از بروز ناآرامی ها در سوریه، شاخه های اسلامی این سرزمین پیش از آن که به پایگاهی نظامی بدل گردند و حرکت های آزادگان شام و (جیش الاسلام) را شکل دهند، اعلام موجودیت نمودند آنگاه این دو بدنه نظامی، اقدام به تأسیس ارتش آزاد سوریه نمودند.

۲- ابو محمد جولانی رهبر جبهة النصرة کسی نبود که مدعی تأسیس این جبهه باشد بلکه فرستاده فرمانده "دولت اسلامی عراق و شام" ابوبکر بغدادی به این سرزمین بود فرمانده سابق جبهة النصرة ابو محمد صالح حموی در پاسخ به کنار گذاشته شدن و عزلش از سمت خویش اظهار نمود که جولانی در تماسی از وی در ماه رمضان سال ۲۰۱۱ خواستار بیعت وی شد؛ این نکته نشان می دهد که دو گروه بسیار پیشتر از آن که جبهة النصرة نخستین عملیات خود را در سال ۲۰۱۲

رسانه ای و اعلام نماید خود را آفتابی نمودند و حموی در واقع از جمله پایه گذاران نخست این جبهه شمرده می شود.

۳- دو تن از مهمترین شخصیت های گروه های تکفیری که ابوماریا قحطانی امیر منطقه شرقی جبهه النصره و نماینده قانونی آن و ابو عبدالعزیز قطری امیر "أدلب" پیش از آنکه از جبهه النصره کناره گیری نماید و سربازان اقصی را پایه ریزی کند؛ خود را به سوریه رساندند.

۴- نخستین افرادی را که ابوبکر بغدای به سوریه اعزام نمود تا هسته های اولیه پیروانش را شکل دهند به شاخه ی "گردان آزادگان شام" پیوستند. این پدیده نشان می دهد که مؤسسان نخست تشکیلات مزبور به تنهایی مبادرت به اقداماتی نمی نمودند بلکه ضمن اعمال هماهنگی با سازمان القاعده یا دولت اسلامی عراق و شام آن را معمول می داشتند.

پژوهشگر سپس به تحركات شاخه های جهادی که نشان از همگرایی ها و واگرایی ها داشت اشاره نمود و ضمن برشمردن پیروزی های آنان اعلام داشت چنین پدیده هایی دستمایه صدور نخستین بیانیه ژنو در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲ گردید که هدف از آن از میان برداشتن دولت سوریه توسط جامعه بین الملل بود از رهبر انمخالفت دلت خواسته بود اقدام به تشکیل یک دولت انتقالی بنمایند و بدین طریق در پی توحید صفوف مخالفان سیاسی دولت مرکزی بود.

وی همچنین به ندهایی اشاره نمود که وجود جبهه النصره را در سرزمین شام بر نمی تافتند و ترجیح می دادند که این جبهه با گروه هایی که زیر لوای جبهه اسلامی سوریه فعالیت می نمودند و "أحرار الشام" بر آن سلطه داشت، به دلیل برخورداری از نگرش های همسوی، هم پیمان گردد.

از سویی دیگر وجود گذرگاه های مختلف مرزی با ترکیه یکی دیگر از عوامل شکل گیری منازعات گروهی را رقم می زد که خود نشانه ای کاسته شدن روابط جولانی امیر جبهه النصره با امیر بغدای بود که هر یک نگاه ویژه خویش را به تحولات سوریه داشتند.

سپس نیروهای مسلح سر مخالفت با "ائتلاف ملی" که خود را به عنوان نیروهای مخالف دولت سوریه باز شناسانده بود، برداشتند و در آن هنگام فرمانده جبهه النصره اعلام داشت شاخه های مسلح حمایت شده از سوی بیگانگان که تن به فشارهای خارجی داده تا به عنوان هم پیمانان ترکیه شناخته شوند و منظور وی از نیروهای مسلح مزبور جنبش آزادگان سوریه (أحرار الشام) بود؛ بیگانه شمرده می شوند.

وی همچنین به بروز اختلاف میان امیر جبهه النصره یعنی ابومحمد جولانی و ابوبکر بغدای که سازمان خود را به نام "دولت اسلامی عراق و شام" خوانده بود اشاره کرد این امر را پس از تسلط بر شهر رقه و بیرون راندن شاخه های اسلام گرا از این شهر در اواخر سال ۲۰۱۳ که متعرض وی در اقدامات نظامی خویش شده بودند، معمول داشت و نیروهای اسلام گرایسوریه دیر الزور و رقه را به وی واگذاشتند پس از آن که داعش بطور کامل بر شهر موصل و دیگر مناطقی از عراق چیره شد اعلام تاسیس خلافت اسلامی را در ژوئن ۲۰۱۴ معمول نمود.

پژوهشگر سپس به همگرایی ها و واگرایی های و منازعات و دشمنی های روی آورده به این مجموعه ها پرداخت که تابع و پیرو هیچکدام از داده های شناخته شده و مألوف نبود. نیز به وجود داده های خارجی که هم گرایی هارا معمول می داشت اشاره نمود و برای نمونه از ارتش فتح در ادلب که بر کل استان چیره گشته بود، یاد کرد چنین توضیح داد که این ارتش در حقیقت اتاق فرماندهی مشترک نیروهای مخالف دولت مرکزی شمرده می شود در نتیجه همگرایی سعودی ها و قطری ها و اتراک دست داده است که پس از شکل

گیری مانور توفان صحرا برپای گردیده است و چنانچه این پوشش منطقه ای وجود نداشت محال می نمود پای بگیرد تا بتواند ضمن برخورداری از حمایت ها و پشتیبانی های گسترده تغییراتی را در یک منطقه جغرافیایی معین و مشخص معمول دارد.

روز دوم اجلاس/ پنجشنبه ۲۰۱۵/۹/۱۰

کنفرانس "گروه های تکفیری و اقدامات خشونت آمیز" کار خود را طی دومین روز برگزاری اجلاس دنبال نمود و طی آن چارچوب ها و نگرش های ارایه شده در زمینه ی رسانه های مورد حمایت دولت اسلامی عراق و شام و روش های یارگیری این سازمان و رسانه های عربی و غربی و نقش آن ها در سست نمودن و همچنین بزرگ داشتن نمادهای مرتبط با این حرکت را در دستور کار قرار داد تا دریابد این ساختار چگونه از رسانه بهره برداری می نماید. نیز به مغفول ماندن موضوع اصلی مورد نظر رسانه هایمان که مسأله فلسطین باشد اشاره نمود که اقدامات گروه های مزبور آن را به حاشیه رانده است در حالی که صهیونیست ها به بررسی پی آمدهای بهار عربی و تاثیر آن بر خویش پرداخته اند نقش تشکیلات جهادی را در سست نمودن مواجهه با اسرائیل را مورد بررسی قرار داده اند.

برخی از پژوهشگران اظهار داشتند نسل سوم "داعش" را که پیشرفته تر از موارد قبلی خود است در حقیقت وسائل ارتباط جمعی به وجود آوردند چرا که جوانان برخاسته به هواداری داعش به دنبال یافتن شبکه هایی برآمدند که بتوانند آنان را به گروه های تکفیری برسانند.

اجلاس خواستار طرح مسائلی متعددی گشته از جمله خواستار آن شد که تعریف روشنی را از اسلام پیش روی بگذارد که بتوان آن را به اجرا در آورد و سپس گرایی اسلام گرایان میانه رو و اخوان المسلمین را که به نفع گروه های تکفیری صحنه را به آنان واگذاشته اند؛ مورد مذاقه قرار داد خیزش و جنبش داعش را به لحاظ کاربردی و روش گزینی همانند برپایی برخی از دولت ها در منطقه خلیج فارس شمرد به ضرورت بررسی ارتباط میان حرکت خوارج به لحاظ داده های "تاریخی" و "خوارج معاصر" از منظر اندیشه و فکر و مفهوم تکفیر اشاره داشت؛ زیرا خوارج اقدام به تکفیر جامعه نمی نمودند. اجلاس اضافه نمود که بکار بستن برخی از شیوه های نظامی برای مقابله با این گروه های تندرو ضرور و لازم شمرده می شود. اکنون نگاهی گذرا را به مباحث مطرح شده در دومین روز اجلاس را پیش روی می گذاریم:

محور چهارم: رسانه ها و گروه های اقدامات خشونت بار تکفیری

رئیس جلسه: دکتر عبد الله بوحیب رئیس مرکز عصام فارس لبنان

سخنران نخست: دکتر محمد محسن هماهنگ کننده دانش های رسانه ای و ارتباطات در دفتر عالی اعطای دکتر در دانشگاه لبنان.

عنوان مقاله: راهبرد رسانه ای گروه های خشونت تکفیری: توانمندی ها و ابزارها

ارایه کننده ی مقاله، گفتمانی را که دولت اسلامی عراق و شام "داعش" آن را در گستره ی رسانه ها به منظور محقق نمودن اهداف متعدد خود معمول می دارد، پیش روی نهاد که برخی از آن ها عبارتند از: گفتمان قدرت و شوکت یا قدرت برخاسته از خشونت و شمشیر در تعامل با دیگری که "مزدور" یا "مرتد" یا "کافر" خوانده می شود را رقم می زند؛ نیز اقدامات "پذیرش" یا همان تبلیغ را که معمولاً در درون این سازمان به منظور برخورداری از حمایت پیروانش صورت می گیرد، پیش روی گذاشت.

گفتمان دیگری هم در این عرصه وجود دارد که در ترغیب دیگری رخ می نماید و یکی از مهمترین گفتمان های داعش شمرده شده آن را اجرای احکام اسلامی می نامند که با نام "عدالت" از آن یاد می شود. ابزارهای اجرایی این گفتمان در سر بریدن و سم خوراندن چهره می نمایند که به منظور ایجاد پذیرش در افراد و ترس انداختن به دل و نهاد آنان و واداشتن دیگری به گریز را پیش روی می نهد؛ نمونه ی چنین اقدامی را در آتش زدن خلبان کساسبه که آتش در قفس نگهداری وی درافکندند می توان یافت که طی آن گروه های بسیج مردمی طی آویخته شدن، آتش را تجربه کردند داعش از شیوه های سینمایی برای انجام چنین اقداماتی بهره جست.

وی اضافه نمود: همچنین گفتمانی وجود دارد که دشمن را بر مبنای آن شیطان قلمداد می نماید و غرب در رفتار ستیزجویانه خود آنچه را داعش انجام می دهد به ما منسوب می کند به نوشته های مستشرقان تکیه می نماید تصویری تاریخی را از خاورزمین را ارائه می کند تا بتواند طرح و برنامه های خویش را برای اعمال سیاست هایش پیش ببرد؛ نیز داعش از همین شیوه در مواجهه با غرب استفاده کرده از آنان با عنوان "حزب لات"، "کفار"، "مرتد" و "کافر" یاد می کند.

نیز گفتمان دیگری به کار گرفته می شود که مبتنی بر کین توزی و کینه ورزی می باشد که این گفتمان در مورد کسی به کار گرفته می شود که به لحاظ اعتقادی با آنان اختلاف نظر دارد وی را در معرض کین توزی و کینه ورزی قرار می دهد. نیز گفتمانی هم وجود دارد که مبتنی بر مدارا و نرمخویی بوده نوعا در مورد غرب معمول داشته می شود که این نماد را می توان در دامن زدن داعش به اندیشه ی حمایت از پرنده ی برخوردار از چنگال و مهربانی با آن و توزیع الواح فشرده ای متعلق به وسائل ارتباط جمعی که Mass Media خوانده می شود باز یافت.

سخنران دوم **دکتر محمد علوش** (کارشناس رسانه ای جنبش های اسلامی) نام داشت که مقاله خود را با عنوان **"رسانه های عربی و غربی و مواضع آن ها نسبت به گروه های دینی تندرو"** ارائه کرد.

سخنران این پرسش را مطرح نمود که آیا وسائل ارتباط جمعی غرب و دنیای عرب در رشد حرکت های تندرو بطور دقیق و مشخص القاعده و داعش، نقش آفرین بوده اند؟ آیا می توان نگرشی رسانه ای را در مورد این گروه ها مد نظر قرار داد؟ و آیا می توان به نگرش رسانه ای گروه های مزبور دست یافت؟ این ساختارها که بیشتر ساختارهایی سری می باشند ما را برآن می دارند که تلاش مضاعفی را برای شناختنشان مبذول داریم و ابزارهای به کار رفته توسط آنان را به لحاظ دریافت برنامه های روان شناختی آنان به کار گیریم و ناگزیریم در این عرصه به بررسی های غربیان هرچند که چندان صادقانه نباشند، روی آوریم و از آن بهره جویم.

وی افزود: رسانه در جهان عرب و در سراسر دنیا فارغ از موارد دیکته شده برآن نمی باشد و گاه پیش می آید که این نماد چنان از دست می رود که به بلندگوی تحریف تاریخ بدل می گردد. حرکت های تندرو چنین رسانه هایی را در اختیار گرفته اند که توانمندی های آنان را بیشتر از واقعیت موجودشان بنمایانند؛ البته چنین اقداماتی جز آن که شک و تردید را در درستی مدعاهای یادشده دامن زند سود دیگری برای آنان ندارد.

وی ادامه داد: ساختارهای مزبور از شبکه اینترنت بهره می جویند تا بتوانند طرح های خود را پیش روی همگان قرار دهند؛ بر این نکته مراکز غرب تاکید می نمایند. بسیاری براین باورند که یارگیری گروه های

تندرو از طریق تویتر و شبکه های همانند آن صورت می پذیرد اما بررسی های صحیح نشان می دهد که چنین اقدامی از راه تماس های تلفنی انجام می پذیرد و این گروه ها ایستگاه های شنود را فریب می دهند. وی تاکید نمود که ما نیازمند بررسی میراث های دینی و اجتماعی خویش هستیم از دینمداران و علمای دین می خواهیم که در این عرصه بیم را به خویش راه ندهند زیرا خداوند بزرگ می فرماید: قل هاتوا برهانکم إن کنتم صادقین (اگر راست گفتارید دلایل خویش آشکار سازید) بنابراین کار بازنگری میراث دینی نیازمند ارایه دلیل و برهان دقیق و درست است.

پژوهشگر این گونه باور دارد که: ساختارهای تندرو تلاش می کنند عقاید خود را توسط رسانه هایی ترویج دهند که بار مالی نداشته باشد از این طریق به بیشترین لایه های اجتماعی گسترده ای دست می یابند و این مهم را سرعت بخشیده آن را برخوردار از بهره یافتن از زبانها و گویش های متعددی می نمایند که وسائل موجودی که در اختیار آنان می باشد نمی توانند آن را محقق نمایند و به همین جهت بیشتر از وسائل ارتباطی پنهانی بهره می جویند که در دسترس همگان قرار دارد.

وی افزود: پوشش خبری بگاه که برخوردار از ژرف نگری تحلیلی است و در خدمت اهداف ترسیم شده ی "گروه های تروریستی" قرار دارد قربانیانش کمتر از شمار قربانیان فقر و فساد اجتماعی است که نوعاً کودکان و نوجوانان را در بر می گیرد.

وی اشاره نمود که: داعش اقدام به تاسیس خبرگزاری "أعماق" نموده که ساختاری منحصر به دولت اسلامی است و وظیفه دارد حوادث و رویدادها را تصویر برداری نموده آن ها را در اختیار دریافت کنندگان خبر بگذارد و چنین می شود که ما تنها دو گزینه را پیش روی خواهیم داشت: یا از دریافت خبر امتناع ورزیم و یا آن را همانگونه که هست بازبینیم. این خبرگزاری می افزاید هرکس که عضو داعش باشد و حسابی را در شبکه های ارتباط جمعی داشته باشد موظف است آن را در اختیار داعش به منظور بازسازی دلخواه آن بگذارد... این خبرگزاری ساختارهایی را در اختیار دارد که به زبان انگلیسی می باشد. وی افزود: رسانه های غربی همواره از آثار بدست آمده در غرب سخن می گوید اما هیچ اشاره به نحوه بدست آمدن آن آثار و سرقت شدن آن ها نمی کنند و ما این اقلام را در لندن و پاریس می یابیم؛ چرا در مورد سرقت این آثار پرده پوشی می نمایند؟ وی به مثالی در مورد شیوه های بکار رفته توسط رسانه های غربی اشاره نمود که به گفتگوی این رسانه با کودکی از مردمان رقه که با داعش همکاری می نمود و خانواده اش وی را از کام آنان بیرون کشید اختصاص داشت که خلاصه آن اشعار به این امر داشت که ترس از کم سن و سال بودن سوژه در میان نمی نهاد بلکه این نکته را ترویج می نمود که اسلام مخالف کثرت مداری بود آن را بر نمی تابد و همزیستی را نمی پذیرد. بنابراین اشکال و ایراد در خود اسلام است نه شیوه های به کار رفته توسط داعش.

در مسأله فلسطین، جامعه بین الملل شکست تلاش های مبذول داشته شده را تجربه نموده است؛ آیا رسانه های غربی که گروه های ضد شوروی را تجهیز نمود به چرایی عدم توجه به جوانانی که خواستار استیفای حقوق فلسطینیان می باشند عنایت نمی نماید؟ رسانه ها فاقد تحلیل ها و تفسیرهای درست از تحولات سریع و پرشتاب روی نهاده به جامعه مان می باشند رسانه هیچگاه چرایی شکل گیری حرکت های تندرو و یک سویه را پیش روی نمی گذارد گویی این مسائل خارج از زمان و مکان معاصر صورت می گیرد برنامه های گذرا و شتابزده ای که مارا در دام سست انگاری و ناچیز شمردن حرکت های مزبور گرفتار می سازند ارایه می کنند.

پژوهشگر به شکل گیری سه مرحله در این گستره اشاره نمود: نسل سوم را وسائل ارتباط جمعی به وجود آوردند زیرا افراد علاقمند به قاعده به منظور پیوستن به این حرکت با بهره گیری از چنین وسائلی دستمایه شکل گیری آن شدند نه اینکه عکس موضوع اتفاق افتاده باشد. بر محققان و نویسندگان آگاه است که مطالعات دقیقی را در مورد این گروه ها معمول دارند که بتواند موارد اثرگذار بر ابزارها و معیارها و نتایج بدست آمده را پیش روی قرار دهد.

وی اظهار داشت: اسلام کنار نهادن هر پدیده ای را که بخواهد در کنار خداوند جنبه قداست به خویش را دهد نفی می کند؛ گفتمان مردمی در این عرصه هر چند یکپارچه نمی نماید اما خواستار آن است که مورد قبول عامه مردم قرار گیرد البته گفتمان برخاسته از خشونت و زورمداری مورد قبول هیچ تنابنده ای جز آن که بر جامعه خویش خشم گرفته است، نمی باشد. این نماد را ما در عراق و در شهر سرت لیبی که پایگاه اصلی القاعده در این کشور به شمار می آید به خوبی دیده ایم؛ من خود شاهد بودم که طی رویدادی برخی از افسران شیعه ی عراق پس از پیوستن به القاعده پس از اشغال عراق به شیعه کشان فتاکی بدل گردیدند از ترس اضمحلال خود چنین رفتاری را در پیش گرفتند.

اظهار نظرها:

دکتر طراد حماده: آزادی اندیشه و رأی دو پدیده برخوردار از مصونیت می باشند ولی میان آزادی بیان و دعوت به کشتار تفاوت آشکاری وجود دارد. برخی از رسانه ها به بعضی از گروه ها اجازه می دهند اقدام به معرفی خویش نمایند و نظرات خودر بیان نمایند. جلوگیری از چنین اقدامی را نمی توان به عنوان سلب آزادی قلمداد نمود.

دو دیگر اینکه رسانه های نوین اجازه می دهند که شخص تا هرکجا که می خواهد دست اندازی نماید بنابراین باید به جنگی رسانه ای روی آورد همان گونه که جنگ نظامی و سیاسی متداول و معمول می گردد زیرا منازهان منطقه ای و بین المللی از طریق رسانه فراگیر می گردند و گروه هایی از این منازعات چنین بهره برداری می نمایند که آن ها را توسط شبکه های ارتباط جمعی و رسانه ها بهره یافته اظهار رأی و عقیده می نمایند نیز رسانه هایی را داریم که در مخالفت با گروه های تکفیری سخن پراکنی می نمایند. این انتظار را از رسانه ها داریم که منافع مردم را بر خواست ها و منافع خود مقدم شمارند.

دکتر عبدالحلیم فضل الله: گفتمان مذهبی گروه های تکفیری لایه های گسترده ای را مخاطب قرار نداده است بلکه گروه هایی اندکی را نظیر جوانان یا سرخوردگان اجتماعی و یا گروه هایی که سر جنگ و ستیز دارند را مخاطب قرار داده است. آیا چنین روندی درست شمرده می شود؟ با نگاهی به گفتمان رسانه ای درمی یابیم که این گفتمان توان آن را ندارد که رضایت عموم مردم را بدست آورد. گفتمان رسانه ای دیگری وجود دارد بر پایه ی اثر گذاری و نه قانع نمودن مردم بنیاد نهاده شده است شاید بتوان گفت رسانه های منطقه خلیج فارس از این دست شمرده می شوند.

دکتر مصطفی لداوی (غزه): بررسی دقیق وسائل ارتباط جمعی اسرائیل و مراکز مطالعاتی آن، نشان می دهد که سرگرم بررسی این پدیده بدان بسیار دل بسته اند زیرا گم شده ی خویش را در آن بازیافته اند زیرا آنان باور دارند که بیداری اسلامی شکل پذیرفته طی سال های پدیدار شدن بهار عربی بیشک آنان را به درس

خواهد افکند و کلیت وجودی آنان را مورد تهدید قرار خواهد داد اما آنچه را که گروه های تکفیری پیش روی نهاده اند خواسته های اسرائیل را محقق خواهد نمود تفکر شکست دادن و از میان برداشتن اسرائیل را از بین خواهد برد.

اسرائیلی ها بیش از ما، مکتب های و مدارس مذهبی را مورد مطالعه قرار داده بخوبی می شناسند و با نام فرق مختلف اسلامی بخوبی آشنا هستند و از همین روی اظهار می دارند زمان آن فرارسیده است که معبد سلیمان را برپای داریم زیرا مسلمانان به خویش مشغول شده از ما فارغند. باید اعتراف نمود که مسلمانان گرفتار جنبه اختلافات مذهبی شده اند و اگر ما سرگرم بررسی های تاریخی خود شویم زمان را از دست داده نمی توانیم به پا خیزیم. اروپارا بنگرید که پس از پشت سر نهادن تاریخ خونباری از اختلافات مذهبی زمانی توانست به پا خیزد که دیگری را به رسمیت شناخت و حق زندگی را برای وی قائل شد. امید و آرزو دارم که مصطلحات و تعبیرهای نرم و شی را به کار گیریم و از افکار مشترک همگرایی پیروی نماییم.

عبدالهادی رشدان (مدیر مرکز خاورمیانه شناسی کانادا): تندروی پدیده ای نیست که تنها در کشورهای عربی و نوار غزه ملاحظه شود. ۲۸ کشور اروپایی وجود دارد که در هر یک از آن ها پنج یا شش رسانه هست؛ درست نیست که ما تنها از گاردین و نیویورک تایمز و نظایر آن ها نقل قول نماییم و منبع خبرشان به شمار آوریم. هر طرفی رسانه خود را دارد که در خدمت منافعش قرار گرفته است. مشکل در وسائل ارتباط جمعی اعراب است که بسیار رنگ و بوی عاطفی دارند به گونه ای مطالعات و بررسی های فاقد موضوعیت لازم است. در جنگ را نزاع شیعه و سنی قلمداد می کنند درحالی که این پدیده برخاسته از مشکلی سیاسی بوده عنایت به نحوه توزیع ثروت و دارایی ها دارد. هرکشوری در جهان که با چنین مشکلی دست و پنجه نرم می کند رسانه های خود را به خدمت می گیرد تا واقعیت موجود را ببوشاند. این مسائل در رسانه های عربی به گونه ای انعکاس می یابد که ظواهر امر اطلاع رسانی شود. پس مشکل تنها در صدرنشینی امر خیر، نهفته است. نکته دیگر اینکه میزراث به جای مانده از اعراب را باید حفظ و نگهداری نمود تا به سمع و نظر نسل های آینده برسد.

ادریس صالح: به عنوان اعراب و مسلمانان نقش عربستان را مورد پرسش قرار می دهیم که چرا عربستان هرگونه کمک به فلسطین را کنار می نهد و در مقابل از منافع صهیونیسم بین الملل، حمایت می کند؟

محمد شری: همانندی و همگرایی شیوه های به کار گرفته شده توسط داعش و شیوه های معمول داشته شده در آشوب خلاق؛ حیرت انگیز می نماید. هر یک از این دو رویکرد در پی تحقق اهداف و منافع خود هستند؛ آمریکا چنین شیوه ای برای ضربه زدن به اسلام به کار می بندد زیرا نتیجه هرج و مرج بدست آمده آشوبی بزرگ شکل پذیرفته است و دولت اسلامی داعش که پدیده ای سیاسی رسانه ای و نظامی شمرده می شود برغم شناخته شدن به عنوان یک حرکت تروریستی براساس اراده ای رقم خورده از پیش، به خوبی از پوشش رسانه ای بسیار گسترده ای در سطح اعراب و بین الملل بهره می جوید. بسیاری از پایگاه های تلویزیونی و ماهواره ای حتی محلی و حتی نیروهای سیاسی اقدام به استفاده از اصطلاحاتی می نمایند که این گروه آن هارا به کار می گیرد مانند اصطلاحاتی چون رافضی ها، مجوس و صفویان؛ که این اصطلاحات را حتی کانال های محلی ما مورد استفاده قرار می دهند.

میزگرد سخنان جلسه ی پایانی کنفرانس پدیده ی خشونت های تکفیری و راه های مقابله با آن

رئیس جلسه: شیخ ماهر حمود ریاست اتحادیه علمای مقاومت

اظهار داشت: تلاش نمودم بیشتر مقالاتی را که به این کنفرانس برجسته ارجاع شده بود، بخوانم و یا حد اقل از آن مطلع گردم. آنچه را در اینجا برآن انگشت می گذارم این نکته است که ما نتوانسته ایم به نویافته ای در این زمینه دست یابیم که البته این پدیده ارتباطی با ما که پژوهشگریم و مراکزی مطالعاتی را در اختیار داریم، ندارد بلکه موضوع با مسائل امنیتی سر و کار دارد که باید به کارشناسان آن ارجاع گردد و به اجرا درآید اما به لحاظ درک این پدیده، نویافته ای را در این گستره ارائه ننموده ایم.

به نظر من نقص وکاستی موجود در چگونگی ارتباط دادن خوارج موجود در تاریخ و خوارج دوران معاصر، موضوعی بود که چندان مورد عنایت و مداخله قرار نگرفت. چنین باور دارم تا آن زمان که پدیده خوارج را که یکصد سال ادامه و استمرار یافت درک ننماییم نمی توان پدیده ی داعش را دریافت. شاید این مسأله، کار تخصصی اتحادیه جهانی علمای مقاومت شمرده شود.

وی تأکید نمود: بسیاری چنین مطرح می سازند که داعش عکس العملی علیه نظام های عرب شمرده می شود که البته چنین ادعایی تا حدودی درست به نظر می آید ولی در عین حال برخی دیگر آن را برآمده از تصمیم واراده آمریکا می شمارند؛ باید پرسید که چنین نمادی چه حجم و اندازه ای دارد؟ پدیده خوارج ۲۵ سال پس از رحلت رسول اکرم(ص) پای گرفت و حرکتی علیه سرورما علی شمرده شد. خوارج ۶۰ جنگ را تجربه نمودند و به ۲۰ فرقه تقسیم گشتند؛ پیشنهاد من این است که کنفرانسی برای شناختن پدیده خوارج و نحوه انتقال افکار آن به دوران معاصر را برگزار نماییم.

وی اظهار نمود: تمامی مقالات ارائه شده به این کنفرانس نقضی را تجربه می نمودند ما حد اقل ۴۰ حلقه فیلم تلویزیونی درباره خوارج و ارتباط خوارج دنیای معاصر با آنان تهیه کرده ایم و به یاری حق در آینده نزدیک آن را طی کتابی منتشر خواهیم نمود. سخن بسیار در این باره می توان گفت اما یک سویه نگری از هیچکس پذیرفته نیست اینکه تکفیر معاصر را به جنبش اخوان المسلمین و سید قطب نسبت دهیم صحیح نمی باشد زیرا مسأله بزرگتر از آن است که اخوان و سید قطب طاقت تحملش را داشته باشند.

وی برلای مقابله با این گروه ها بر عمل گرایی تأکید نمود و اظهار داشت مادر منطقه صیدا چنین رویکردی را تجربه نمودیم و موفقیت آن را در دایره ی کوچکی شاهد شدیم. مقابله ی امنیتی ضروری می نماید و گفتگوها نیز نباید متوقف گردد زیرا بسیاری از جوانان گمراه شده اما می توان نجاتش داد. من چنین اقدامی را در صیدا و در اردوگاه عین الحلوۃ معمول داشتم. بنابراین باید از شیوه گفتگو برای نجات بهره جست که چنین امری محال نمی نماید. مسأله دیگر این است که (جایگزینی) در چارچوب برنامه های اسلامی را ندارک ببینیم؛ درحال جمهوری اسلامی طرحی را ارائه نموده است اما این طرح با محاصره آمریکا و کاهش درآمدهای نفتی مواجه گردیده است و به همین دلیل ایفای نقش آن کاستی گرفته است. وی به طرح این پرسش پرداخت که برنامه اسلامی یا بهتر است بگوییم طرحی سنی مدار در کشورهای عربی پس از مواجه شدن با شکست های معمول داشته شده در مصر و سوریه و لبنان؛ کجاست؟

سرگرد الیاس فرحات (پژوهشگر مسائل نظامی):

طی چهل سال خدمت در ارتش لبنان با نکات نگران کننده بیشماری مواجه شدم از جمله این که آیا وجود عالمان دین و خلافت راستین و نمادهای اسلامی، متکی به ساختارهایی برخوردار از نص صریح قرآنی می باشد؟ تاریخ نشان می دهد این نمادها از زمان خلافت عثمانی سر برآورده اند بسیاری از عالمان دین

انسان های پاک نهادی هستند اما اندکی از آنان پلشت می نمایند؛ در مسلک روحانیت ضابطه ای برای عالمان دین آن گونه که در مسیحیت آن را ملاحظه می کنیم وجود ندارد. صدور فتوای گوناگون مردم را سر در گم نموده است نیز در کشورهای چون پاکستان و افغانستان و عربستان در مورد زنان سختگیری می کنند که تمی این موارد جای نگرانی دارد.

وی چنین اظهار نمود: آیا در طول تاریخ ما شاهد شکل گیری دولت اسلامی بوده ایم؟ رسول الله (ص) نه کسی را به عنوان والی تعیین نمود و نه فردی را بر مسند قضاوت نشاند. چنین ملاحظه نمودم که فرمان سیاسی اداری و تشکیلاتی به مالک اشتر مغول مانده جایگاه خود را به لحاظ بحث و بررسی در دنیای عرب و در سطح جهان نیافته است. از دیگر مسائلی که به ذهن می نشیند این است که آیا می توان بنی عباس را که در رأس هرم قدرت قرار گرفتند خلیفه بوده اند؟ و آیا مأمون که برار خود امین را از دم تیغ گذراند مسلمان بود؟ برده ای چون بیبرس در برابر حمله مغول در حالی ایستاد که تنها یک برده بود؛ تاریخ زندگی وی نیز مغفول مانده است. کجاست آن دولت اسلامی که داده هایش پیش رویمان قرار داشته باشد و ما خواستار تحقق یافتنش باشیم؟ در حال حاضر پاکستان دولت شکست خورده ای می نماید هم به لحاظ حاکمیت و هم به لحاظ امنیت؛ انقلاب ایران نیز که برخوردار از رهبری کارزماتیک امام خمینی بود و اکنون سید علی خامنه ای آن را رهبری می نماید همانند انقلاب بلشویکی شوروی است؛ محمد حسین فضل الله نیز برنامه ای حکومتی را تدوین نموده است اما کو آن دولت اسلامی؟

پژوهشگر به بررسی ریشه های خشونت تکفیری تروریستی پرداخت به بازپس نشینی هویت ملی در برابر هویت دینی اشاره نمود و این داده را دستمایه صرف نظر کردن شهروندان از زادگاه خود و قرار گرفتن در مکان دیگری واداشته است. هنگام که هویت ملی بر هویت دینی فائق می آید؛ شهروند مسأله فلسطین را کنار می نهد. فقدان هویت ملی دستمایه ی نفوذ بسیاری از گروه ها شده است. رسوایی تاریخی دیگری که در زمان ما شکل گرفته است مسأله برنامه ی آموزه های دینی است؛ برای نمونه در کشور سوریه یک پنجم دانش آموزان در مقطع دبیرستان ترک تحصیل می نمایند و به مراکز دینی روی می آورند یعنی اینکه هوشمندان به تحصیل خویش ادامه می دهند و تنبلان به آموختن دین روی می نهند. نیز موضعگیری های سیاسی شک برانگیزی در این گستره رقم می خورد که مشخص ترین آن هارا می توان در قضیه عراق یافت؛ می پرسیم چرا اعدام صدام حسین روی داد آن هم در روز عید قربان؛ چرا پل بریمر فرمانروای مدنی عراق در زمان اشغال پیروی از برخی از احزاب را توصیه نمود؛ چرا عراق این گونه به لحاظ اداری و دولتی دچار تباهی است؟

دکتر یحیی فرحات (استاد دانشگاه و پژوهشگر مطالعات اسلامی):

پژوهشگر در بررسی های تاریخی متون موجود به این واقعیت دست یافته است که حنبلی ها تفکر تکفیری را بر نمی تابیدند بلکه تکفیر مجتمعات را از هنگام پای گرفتن و هابیت متداول و معمول گشت. وی خاطر نشان نمود که تاریخ نشان می دهد برخی از جریان های متدثر از تراجم موجود، که برادران اهل سنت بدان گرویده اند که برجسته ترین فرد آنان امام احمد بن حنبل می باشد که این نکته را که زبان موجودی زنده و در حال دگرگونی است، مردود شمرد و در نهایت تأویل را مرفوض دانست و در نهایت به فتنه ی خلق قرآن دامن زد و در اثر آن به زندان افتاد و خیزهای بهدی دستمایه شکل گیری مذهب حنبلی گردید که معتقد بود خود تنها توان تفسیر دین و سنت را دارد و اقدام به کافر شمردن غیر خود نمود برای گفته های خود شواهدی را نمایاند. پژوهشگر چنین سخنان خود را ادامه داد که احمد بن حنبل مکتبی را پی افکند که ریشه در مردود شمردن تفسیر و تأویل متون دینی داشت تنها مرجع قابل استناد را در پیروی از سلف صالح شمرد که یکی از ویژگی های این مذهب بی توجهی به داده های عقل و خردورزی بوده دین را در خویشتن تجلی می دادند و چنین باور داشتند که فرقه ناجیه (گروه رستگار) هستند.

دکتر احمد موصلی (استاد علوم سیاسی و مطالعات اسلامی دانشگاه آمریکایی بیروت)

پژوهشگر بر این نکته تاکید نمود که نگرش وهابیت و نه حتی سلفی گری، بلکه سلفی گری وهابی دیدگاه انتشار یافته ای است که ناگزیر از بازنگری در آن می باشیم و به لحاظ سیاسی و فکری باید آن را بازسازی نمود. اقدامات اصلاح گرایانه ای که در جهان عرب در عرصه فکر اسلام سیاسی متداول و معمول گشته است موجب کنار نهادن تجربه اخوانی در سرزمین مصر گشت نیز گرایش ناسیونالیستی قومیت گرا هم پایان یافت. ملاحظه می نمایم که گروه هایی چون داعش زمانی سر برآوردند که اسلام سیاسی معتدل میانه رو که اخوانی های موافق با برگزاری انتخابات وگردشی شدن قدرت، در رأس آن قرار داشتند کنار گذاشته شدند. آنچه اکنون شاهد آن گردیده ایم پدیده ی نوظهوری نیست زیرا ظهور دولت داعش همانند ظهور دولت عربستان سعودی می باشد که با توسل به زور وکشتار پدید آمد آنچه در این عرصه جدید می نماید شیوه های نظامی به کار گرفته شده در آن است. به عبارت دیگر چنین اندیشه ای در تفکر اسلامی معاصر وجود دارد یعنی از زمان سر برآوردن وهابیت که در هنگام خود حرکتی معترض در جهان معاصر شناخته میشود و براساس آن جنبش اخوان المسلمین و دیگر نحله های همانندش پای گرفتند آنچه را اکنون شاهدش گردیده ایم اصل این است که فکر واندیشه تکفیری برآمده از جنبش اخوان المسلمین با فکر تکفیری برخاسته از وهابیت گونه ای از همگرایی و همسویی را تجربه می کند.

وی اظهار نمود: ما نیازمند برخورداری از یک تفکر اسلامی سنی روشنگر هستیم که به مقابله با تفکر تکفیری وهابی بپردازد که با بهره گیری از پشتوانه ی دلارهای نفتی اقدام به تاسیس مدارس و انستیتوها و مراکزی نموده است که این اندیشه و داده فکری را تباہ نموده جوانان را به خود جذب کرده است. باید سپهری را در افکنیم که قدرت را به ملت ها بازگرداند تا این یک بتواند خود را بازآفرینی کند زیرا منظومه فکری عربی یا لائیک نتوانسته است دستمایه شکل گیری سپهری عربی یا اسلام گرا شود و چنین گشت که اندیشه برخورداری از خلافت اسلامی که جانمایه داده های اسلام سنی گرایانه بوده، مضمحل گشته ساقط گردید و با سقوط آن، منطقه دچار آشوب گشت.

باید سازوکارهایی را پی ریزی نمود که اصل موازنه قوی را لحاظ کند و برای منازعه ایران و سعودی راه حلی یافت. دولت اسلامی (داعش) واقیت رایجی است که آمریکایی ها برای مبارزه با آن ۴۶ ملیون دلار هزینه نموده اند. که البته این نماد نشان می دهد که در این عرصه چندان جدی نمی نمایند و به همین دلیل است که داعش به حیات خود ادامه می دهد و اگر شرایط به آن اجازه دهد منطقه را به مناطقی مذهبی تفکیک خواهد نمود که در حال حاضر در عراق نشانه هایی از آن را می بینیم؛ بنابراین باید سازوکاری را برای همزیستی مسالمت آمیز ایجاد نماییم و ملیت گرایی عربی را پی ریزی کنیم و راه کاری برای همکاری های منطقه ایجاد نماییم با محیط بین الملل تعامل نماییم وگرنه گرفتار پراکندگی شده شاهد برآمدن گروه های بدتر از داعش خواهیم شد.

وی سخنان خود را با دعوت از شیعیان برای پذیرش اهل سنت به پایان برد خواستار آن شد که برخلاف گذشته که سنیان شیعه را پذیرا می گشتند این بار شیعه بدین مهم برخیزد به ویژه اینکه کشورهای حاشیه خلیج فارس در پی دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی هستند ایالات متحده آتش بیار این معرکه شده است که در نهایت منطقه را دچار فروپاشی خواهد نمود.

استاد محمد خواجه (پژوهشگر مسائل راهبردی):

این پژوهشگر اظهار داشت: سازمان القاعده از زهدان اقدامات جهادی در افغانستان برآمد زایمان وی را مامائی آمریکایی سعودی عهده دار بود. این دوره را دوره عرب افغان نام نهاده اند یعنی اینکه جوانان علاقمند به دینمداری با دریافت ۶۰۰ میلیون دلار از سعودی ها در آن زمان پای گرفتند و با پایان یافتن جنگ به عنوان کالایی که تاریخ مصرف آن گذشته است، با آنان برخورد کردند و چنین شد که منازعه این گروه با سعودی ها صورت پذیرفت. گروه های مزبور هسته های اولیه سازمان القاعده شمرده می شوند

که طی یک دهه ضرباتی را بر پیکر محیط بین الملل وارد نمود که برجسته ترین آن ها حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ بود. این اقدامات فصلی شمرده می شد که برخوردار از برنامه ریزی بود به لحاظ زمانی با معمول داشتن فاصله هایی رخ می داد به گونه ای که گاه میان انجام عملیاتی و عملیات دیگری سالها فاصله می افتاد. این روند بیانگر داشته های نسل اول تروریسم بود. نسل دوم تروریسم پس از اشغال عراق پدیدار شد که ابومصعب زرقاوی آن را پایه ریزی نمود و آن را سازمان جهاد و هجرت نام نهاد. در آن زمان سازمان توانست سرزمینی را در اختیار بگیرد و از آن به دفاع برخیزد و چنین شد که اقدامات عملیاتی به تلاش روزانه علیه پلیس عراق و مردم این کشور تبدیل گردید از اقدامات گذرای علیه نیروهای آمریکایی به عنوان پوششی برای پنهان نمودن حقیقت وجودی خود، بهره گرفتند. زرقاوی توانست قواعد بازی را با جایگزین نمود دشمن نزدیک به جای دشمن دور دست تغییر دهد که این یک در ساختارهای مجاور با آن و مذاهب دیگر و اهل سنت مخالف با تشکیلات وی تعریف می گردید و چنین شد که نسل دوم شکل پذیرفت و برخورداری از امارت را در دستور کار خود قرار داد.

اما نسل سوم در شرایط دیگری تولد یافت که برخاسته از تحولاتی بود که بهار عربی نام داشت و شاهد بروز جنگ های سرزمینی بیشتر کشورها گشته در زمینه نظامی پیشرفت هایی را معمول داشت که برخوردار از ساختارهای مستحکمی بود.

جنگ هایی که داعش آن ها را معمول داشت نشان داد که این ساختار برخوردار از توانمندی هایی است که اندیشه و فکر خلاق آن را هدایت می کند زیرا این گروه توانسته با تکیه بر آن مناطق نفت خیز و سرزمین های حاصلخیز عراق را در سواحل دجله و فرات در اختیار گیرد و نشان دهد که سازمان داعش ساختاری بالنده و پیشرفته می باشد که نظر به تاسیس خلافت اسلامی داشته با بهره یافتن از افسران بعثی عراق که از ارتش رانده شده بودند جهش های بزرگی برای قدرت نمایی خود معمول نمود.

پژوهشگر داشته های ویژه داعش را چنین برشمرد که برخوردار از نیروهای انتحاری و فدایی و تک تیراندازان زبردست بوده اقدامات بمب گذاری و انفجاری را معمول می دارند.

وی این پرسش را در میان گذاشت که چه سان می توان به مقابله نظامی با داعش برخاست برای تحقق چنین امری خواستار ارتقای همکار های امنیتی و هماهنگی های میدانی حکومت های عراق و سوریه و لبنان گردید چرا که ذداعش در برخی از ارتفاعات شرقی کشور اخیر الذکر حضور فعال دارد. وی از اینکه برخی از قدرت های منطقه ای و بین المللی این همکاری را ناچیز می نمایند، اظهار تاسف نمود.

وی برخی از شیوه های نظامی را برای مقابله با داعش پیشنهاد نمود اقدامات پیشگیرانه ای شکل گیرد که ارتش لبنان آن را در قلمون معمول داشت همچنین از موشک هایی استفاده نماید که نیروهای مقاومت آن را در قلمون بکار گرفتند از هواپیماهایی بمب افکن استفاده بر عملیات جهادی اطلاعاتی تکیه نماید تا به نیات و خواسته های داعش پی ببرد. وی سخنان خود را این گونه پایان داد که: این گروه ها در درگیری ها وستیزهای موفق گردیدند که اراده ای برای جنگ با آن ها وجود نداشت پس هرگاه چنین اراده و خواستی رقم بخورد بی شک پیروزی از آن ما خواهد بود و بزرگترین نمونه آن را در نیروهای مقاومت لبنان می توان بازیافت که جنگ وستیزهای حرفه ای بسیار چشمگیری را در قلمون و زبدانی پیش روی نهادند.

اظهارنظرات از پیش ارائه شده:

استاد عمر زین (دبیرکل پیشین کانون وکلای عرب):

نویسنده تاکید نموده است که وی دولت مدنی همسویی دارد نه با دولتی دینی که در طول تاریخ شاهد پای گرفتن آن نبوده ایم بلکه براین نکته ناظر بودیم که دولت هایی زیر پوشش دینمداری شکل گرفته به ارزش ها و داشته های دین عمل ننموده اند. دولت مدنی را مسلمانان و مسیحیان به کمک یکدیگر پایه ریزی نمودند اما دولت دینمدار معمولاً در دست گروه خاصی قرار می گیرد که دیگری را نادیده می انگار. وی اظهار

داشت که گرایش ناسیونالیستی عربی حرکتی آگاهانه و بیدارگر می باشد چنین رویکردی می تواند فلسطین و دیگر سرزمین های اشغال شده را آزاد سازد و توسعه اقتصادی را رقم زند.

نویسنده دعوت به گفتگوی اعراب با یکدیگر نموده از مرجعیت دینی خواست میان موضعگیری های سیاسی و رویکردهای اعتقادی تمایزی قائل شوند و جوانان را از اهمیت و جایگاه دولت مدنی که دین ستیز نباشد، آگاه نمایند. نیز خواستار بازنگری برنامه آموزشی مدارس و دانشگاه ها گردید بر عنایت مدام به مسأله فلسطین تاکید نمود خواستار امضای سندی گشت که تبعیض زرا در مورد زنان از میان بردارد.

دکتر هلا رشید امون (پژوهشگر جنبش های اسلامی):

خشونت به لحاظ تبیینی می تواند هم مشروع باشد و هم نامشروع. این پدیده مشروعیت خود را از برحق بودن قضیه ای که بخاطر آن به مبارزه برخاسته است وام می گیرد؛ اما تکفیر بطور کلی حرکت و جنبشی ناپذیرفتنی می باشد و دیگری به رسمیت نمی شناسد. وی اظهار نمود که گروه های تکفیری تنها سنی مذهبان نیستند که شیعه مذهب هم می باشند.

دکتر نبیل سرور (استاد دانشگاه):

نویسنده خواستار درمان اوضاع و شرایط اقتصادی کشورهای عربی گردید مبارزه با فساد سیاسی و اداری را پیش روی نهاد و چنین اظهار نمود که: ابزارهای درمان چنین پدیده ای در کنار نهادن تعصبات گوناگون جامعه نهفته است و از طریق اعمال برنامه های تربیتی مناسب با شرایط موجود به نشر دانش و شناخت دینی روی آورد مفهوم وحدت و برادری را از این طریق گسترش داد.

خاتمه:

اجلاس کار خود را به دنبال دو روز فعالیت گسترده با سخنان **شیخ محمد زراقط** دبیرکل مرکز تمدنی اندیشه اسلامی و سخنان **دکتر عبدالحلیم فضل الله** دبیرکل مرکز مطالعات و تحقیقات لبنان به پایان برد بر اهمیت کنفرانس و ضرورت پی گیری مسائل عنوان شده در آنکه پدیده خشونت تکفیری را به بحث و بررسی گذاشته بود؛ تاکید نمود.

ترجمه:

عبدالهادی بروجردی

تهران- چهارشنبه ۱۳۹۴/۷/۲۲

**

*